

## دانشنامه کوتاه فارسی

به کوشش سید محمود مرعشی نجفی

این مجموعه دانشنامه‌ای است به فارسی، از نویسنده‌ای ناشناخته که در سال ۱۳۱۹ هجری در عصر مظفرالدین شاه قاجار آن را نگاشته است. در این مجموعه، نخست نام کشورهای جهان به ترتیب الفبایی از ایران آغاز شده و ضمن آن، تعداد جمعیت، مذهب، نام پایتخت، نام حکمران یا پادشاه و سال جلوس، مساحت آن کشور به کیلومتر مربع، تعداد نفرات ارتش و تجهیزات جنگی و هواپیماها و کشتی‌ها و... آورده شده است. سپس، اطلاعاتی در مورد کرة زمین، جمعیت پیروان ادیان مختلف، جمعیت قاره‌های زمین، آمار مرگ و میر در جهان، میانگین عمر مردم، خطوط مواصلاتی همچون راه آهن، تلگراف در جهان، سلاطین و حکمرانان ممالک روی زمین، تاریخ اختراعات و وقایع عظیمه عالم، جمعیت بزرگ‌ترین شهرهای عالم، مرتفع‌ترین کوه‌های روی زمین، بزرگ‌ترین جزایر زمین، بزرگ‌ترین دریاچه‌ها، طوایف روی زمین، تعداد جمعیت روی زمین و تعداد روزنامه‌های عالم تا سال ۱۹۰۲ میلادی آمده است.

همچنین اطلاعاتی در خصوص بزرگ‌ترین خانه‌های عالم، بزرگ‌ترین توپ عالم، گرانبهارترین دستمال عالم، قبرستان سگ‌ها در لندن، تعداد موی سر هر انسان، تعبیر خواب، پرسش و پاسخ‌ها، نفوس و طوایف ایران، شهرهای مشهور ایران و عده نفوس آنها، لطایف و ظرایف و مطالب بسیار جالب دیگر را نویسنده

در این دانشنامه گرد آورده است. البته، بایستی توجه داشت آمارهایی که در این دانشنامه آمده مربوط به سال ۱۳۱۹ هجری (۱۹۰۲ میلادی) یعنی افزون بر یک صد و اندی سال گذشته است. و به هر حال، مؤلف در این مجموعه زحمات بسیاری را متحمل شده و از منابع و مآخذ گوناگون، آمارها را استخراج، و در این مجموعه ارائه داده است. انتشار این گونه آثار که معمولاً به صورت جداگانه هیچگاه منتشر نخواهد شد، برای بسیاری از پژوهشگران معاصر مفید و جالب خواهد بود، و به همین جهت اینجانب این دانشنامه را در فصلنامه میراث شهاب کتابخانه بزرگ پدر بزرگوارم، مرجع فقیه شیعه، بزرگ فرهنگبان میراث اسلامی، حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - رحمة الله علیه - منتشر می سازم. امید است مورد توجه و عنایت فرزندگان و علاقه مندان قرار گیرد.

یادآوری می شود: نسخه خطی این دانشنامه، به شماره «۱۴۶۲۹» در کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) نگهداری می شود. با درود به روان پاک و مطهر بنیانگذار این کتابخانه بزرگ که با مشقات فراوان، به خصوص انجام نماز و روزه استیجاری و حذف یک وعده از غذای روزانه خود، این ذخایر عظیم اسلامی را فراهم آورد که تا این زمان، بالغ بر هفتاد و پنج هزار عنوان، در سی و پنج هزار مجلد است و سرانجام، آنها را در طبق اخلاص نهاد و به رایگان تحویل جامعه اسلامی نمود، تا به نسل های آینده تحویل گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم

شنبه ۱۱ ذیحجه الحرام ۱۳۱۹، ۲۲ مارس ماه فرانسه، ۹ مارت<sup>(۱)</sup> ماه روسی  
عید نوروز ابتدای بهار و مدت [آن] نود و دو روز و بیست ساعت

مملکت محروسه<sup>(۲)</sup> ایران

دارای بیست و پنج کرور [نفر]<sup>(۳)</sup> جمعیت؛ مذهب اهالی، اسلام؛ پایتخت،

۱. ماه قیصری، اول آن مطابق است با اول آذر ماه رومی و بیست و هشتم اسفند ماه جلالی و

سیزدهم مارس فرانسوی. ۲. نگهداری شده، کنایه از ملک پادشاهی است.

۳. نام عددی است که نزد ایرانیان مساوی است با پانصد هزار، یعنی نیم میلیون.

تهران، که جمعیت آن تقریباً سیصد هزار [نفر] است؛<sup>(۱)</sup> شاهنشاه بالاستقلال السلطان ابن السلطان ابن السلطان مظفرالدین شاه<sup>(۲)</sup> - خلدالله ملکه و سلطانه - ، تولد، هزار و هشتصد و پنجاه و سه میلادی، مطابق هزار و دویست و هفتاد هجری، جلوس میمنت مانوس اعلی حضرت شاهنشاه اسلامیان پناه، در روز بیست و ششم هزار و سیصد و سیزده هجری.

### جمهوری آرژانتین

جمعیت، هشت کرور [نفر]؛ و مذهب، عیسوی پروتستانی؛ پایتخت، بوینوس آیرس، و جمعیت [آن] هفتصد و بیست و پنج هزار و پانصد و پنجاه و چهار نفر؛ رئیس جمهوری، روکا.

### جمهوری ای کواتر<sup>(۳)</sup>

دارای سه کرور [نفر] جمعیت؛ و مذهب عیسوی کاتولیکی؛ پایتخت، کوت بو و جمعیت آن پنجاه و پنج هزار نفر؛ رئیس جمهوری، القابرو.

### جمهوری برازیل

جمعیت آن، سی کرور [نفر]؛ پایتخت، ریودو ژانیرو، با پانصد و بیست و دو هزار و ششصد و پنجاه و یک نفر جمعیت؛ و مذهب کاتولیک؛ رئیس جمهوری، کامبیوس، سال [انتخاب، سنه هزار و هشتصد و نود و هشت میلادی].

- 
۱. هم اکنون جمعیت تهران بالغ بر ۱۲ میلیون نفر است، حدود چهل برابر آن روزگار؛ هر چند در همین رساله، بعداً پانصد و نود هزار نفر ذکر شده است.
  ۲. مظفرالدین شاه (۱۳۲۴-۱۲۶۹ق)، چهارمین پسر ناصرالدین شاه قاجار بود. مهم‌ترین حادثه زمان سلطنت وی، نهضت مشروطه‌خواهی بود که شاه در طی آن مجبور شد تا در ۱۴ جمادی الآخر ۱۳۲۴ فرمان مشروطیت را صادر و در ۱۴ ذیقعد، قانون اساسی مشروطیت را امضا کند. وی پس از آن روز از این جریان بدرود حیات گفت.
  ۳. اکوادور.

### امارت بخارا

جمعیت، پنج کرور [نفر]؛ مذهب، اسلام؛ پایتخت، بخارا؛ حکمران، سید عبدالاحدخان.

### بلوچستان

جمعیت آن، سی و پنج هزار نفر؛ مذهب، اسلام؛ حکمران، میرخداداد، جلوس، سنه هزار و هشتصد و پنجاه و شش میلادی.

### جمهوری سزه (پرو)

جمعیت آن، شش کرور [نفر]؛ و مذهب، کاتولیک؛ پایتخت، لیما با یک صد و دو هزار و نهصد و پنجاه و شش نفر جمعیت؛ رئیس جمهوری، لوپر زمانا.

### دولت حبشه

واقع در آفریقا؛ جمعیت، ده کرور [نفر]؛ و مذهب، عیسوی؛ پایتخت، کندا؛ امپراطور، منه لیک.

### مملکت سروستان (صربستان)

جمعیت آن چهار کرور و دویست و پنجاه هزار نفر است؛ و مذهب، کرک ارتودکس؛ پایتخت آن، بلغراد و جمعیت آن پنجاه و هشت هزار و نهصد و نود و دو نفر؛ حکمران، الکساندر اول.

### مملکت شیلی

واقع در آمریکای جنوبی؛ جمعیت آن، شش کرور [نفر]؛ و مذهب اهالی، کاتولیکی است؛ پایتخت آن، سانتیاگو با دویست و پنجاه هزار و دویست و سه نفر جمعیت؛ رئیس جمهوری، ری یسکو.

### کلمبیا

دارای هشت کرور [نفر] جمعیت؛ مذهب اهالی، کاتولیک؛ پایتخت آن، یوکوما با نود و پنج هزار و هشتصد نفر جمعیت؛ رئیس جمهوری، مارکن، به ریاست، در

سنه هزار و هشتصد و نود و هشت منتخب گردیده است.

### جمهوری مکزیک

دارای بیست و دو کرور [نفر] جمعیت است؛ مذهب اهالی، کاتولیک؛ پایتخت، مکزیکا با سیصد و نود و دو هزار و هفتصد و هفتاد و هفت نفر جمعیت؛ رئیس جمهوری، وی یاوس [که] در سنه هزار و هشتصد و نود و دو منتخب گردیده است.

### مملکت مراکش

دارای شانزده کرور [نفر] جمعیت است؛ مذهب اهالی، اسلام؛ پایتخت، افیس با یک صد و چهل هزار نفر جمعیت؛ حکمران مملکت، سلطان عبدالعزیز، تولد، در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و هشت میلادی، جلوس، در سنه هزار و هشتصد و نود و چهار.

### مملکت اطریش و هنگری

وسعت خاک، ششصد و بیست و پنج هزار و پانصد و هیجده کیلومتر مربع؛ جمعیت، چهل و چهار میلیون نفر؛ پایتخت، وین با جمعیت یک میلیون و سیصد و شصت و چهار هزار و پانصد و چهل و هشت نفر؛ مذهب، عیسوی؛ حکمران اعلی حضرت فرانسو ژوزف، ولادتش، ۱۸ اوت هزار و هشتصد و سی میلادی، جلوس، هزار و هشتصد و چهل و هشت میلادی؛ امپراطورش الیزابت دباویر؛ ادخالات، سه هزار و نهصد و هفتاد و سه میلیون فرانک؛ اخراجات، چهار هزار و پانصد و هشتاد و هشت میلیون فرانک؛ سرباز، سیصد و بیست و پنج هزار و سیصد و پنجاه نفر؛ صاحب منصب، بیست و یک هزار و یک صد و شصت نفر؛ توپ، یک هزار و چهل و هشت عرّاده؛ اسب، شصت و دو هزار و هشتصد و بیست و چهار رأس؛ کشتی جنگی، یک صد و سی و یک فروند؛ دخل، هشتصد و نود و شش میلیون فرانک؛ خرج، هشتصد و نود و شش میلیون فرانک؛ کشتی تجاری بادی، یک هزار و دو بیست و سیزده فروند؛ کشتی تجاری بخاری، یک صد و هفتاد و چهار فروند؛ طول راه آهن، سی و چهار هزار و پانصد و چهارده کیلومتر؛ طول [سیم] تلگراف، هفتاد و

چهار هزار و دویست و سیزده کیلومتر.

### مملکت جمهوری اتازونی (ایالات متحده آمریکا)

ینگه دنیای شمالی؛ مذهب اهالی، عیسوی پروتستانی؛ پایتخت، واشنگتن و دارای دو میلیون و سیصد هزار و نود و دو نفر جمعیت؛ رئیس جمهور آن روزولت؛ وسعت خاک، نه میلیون و دویست و سی هزار و ده کیلومتر مربع؛ جمعیت، شصت و سه میلیون نفر؛ جمعیت متصرفات، ده میلیون نفر؛ ادخالات، سه هزار و چهارصد و شصت و پنج میلیون فرانک؛ اخراجات، شش هزار میلیون فرانک؛ سرباز، ششصد و پنجاه هزار نفر؛ صاحب منصب، دو هزار و پانصد و هشتاد و شش نفر؛ توپ، پانصد و هشتاد و هشت عراده؛ کشتی جنگی، هفتاد و هشت فروند؛ دخل، سه هزار و یکصد و شصت و چهار میلیون فرانک؛ خرج، سه هزار و ششصد و بیست و شش میلیون فرانک؛ کشتی تجاری بادی، پانزده هزار و هشتصد و نود و یک فروند؛ کشتی تجاری بخاری، شش هزار و هشتصد و سی و هفت فروند؛ طول راه آهن، سیصد هزار و ششصد و سی و شش کیلومتر؛ طول [سیم] تلگراف، سیصد و پنج هزار و سیصد و سی و هشت کیلومتر.

### دولت اسپانیول

وسعت خاک، پانصد و چهار هزار و پانصد و پنجاه و دو کیلومتر مربع؛ جمعیت، هیجده میلیون نفر؛ جمعیت متصرفات، سه میلیون نفر؛ پایتخت، مادرید، جمعیت پانصد و دوازده هزار و یکصد و پنجاه و پنج نفر؛ حکمران، الفونس (بعد از فوت پدر، مادرش به نیابت پسر تا کنون شانزده سال است، سلطنت موقتی می‌نماید)، تولدش در سنه هزار و هشتصد و هشتاد و شش، ۱۸ می [اتفاق افتاده است]؛ ادخالات، نهصد و سی و شش میلیون فرانک؛ اخراجات، هفتصد و بیست و چهار میلیون فرانک؛ کشتی جنگی، سی و نه فروند؛ سرباز، نود و هشت هزار و یکصد و چهل نفر؛ دخل، هشتصد و هشتاد و پنج میلیون فرانک؛ خرج نهصد و پنج میلیون فرانک؛ کشتی تجاری بادی، یک هزار و

پنجاه و دو فروند؛ کشتی تجاری بخاری، چهار صد و پنجاه و چهار فروند؛ طول راه آهن، یک هزار و دویست و چهل و هشت کیلومتر؛ طول [سیم] تلگراف، سی و یک هزار و نهصد و نود و دو کیلومتر؛ طول [سیم] تلفن، هفت هزار و نهصد و هفتاد و دو کیلومتر.

## دولت آلمان

وسعت خاک، پانصد و چهل هزار و ششصد و شصت و هفت کیلومتر مربع؛ جمعیت، پنجاه و شش میلیون نفر؛ جمعیت متصرفات، نود میلیون نفر؛ مذهب، عیسوی؛ پایتخت، برلین، جمعیت یک میلیون و هشتصد هزار و یک صد و پنجاه و یک نفر؛ حکمران، اعلیٰ حضرت امپراطور ویلهلم دوم، تولد، ۲۸ ژانویه هزار و هشتصد و پنجاه و نه میلادی، جلوس، ۱۸ ژوئن هزار و هشتصد و هشتاد و هشت میلادی؛ امپراطورش (اگوستا ویکتوریا)؛ ادخالات، پنج هزار و هفتصد و هیجده میلیون فرانک؛ اخراجات، چهار هزار و چهار صد و سی و شش میلیون فرانک؛ سرباز، سیصد و نود و یک هزار و یک صد و سی و شش نفر؛ صاحب منصب، بیست و سه هزار و هشتصد و چهل و چهار نفر؛ توپ، سه هزار و پانصد و نود و چهار عراده؛ اسب، یک صد و دو هزار و نهصد و بیست و سه رأس؛ کشتی جنگی، یک صد و پنج فروند؛ دخل، دو هزار و پانصد و هشتاد و هشت میلیون فرانک؛ خرج، دویست و هشتاد و هشت میلیون فرانک؛ کشتی تجاری بادی، دو هزار و چهار صد و نود فروند؛ کشتی تجاری بخاری، یک هزار و دویست و بیست و سه فروند؛ طول راه آهن، پنجاه هزار و نهصد و شصت و یک کیلومتر؛ طول [سیم] تلگراف، یک صد و بیست و پنج هزار و چهار صد و پنجاه و هشت کیلومتر؛ [طول سیم] تلفن، سی هزار کیلومتر.

## افغانستان

مذهب تمام اهالی اسلام؛ پایتخت کابل و امارات آن با امیر حبیب الله خان است؛ وسعت خاک، پانصد و پنجاه و هشت هزار کیلومتر مربع؛ جمعیت، پنج

میلیون نفر؛ ادخالات، یک صد و شش میلیون فرانک؛ اخراجات، یک صد و هشت میلیون فرانک؛ سرباز، چهل و دو هزار نفر؛ توپ، سیصد عرّاده.

### دولت انگلیس

وسعت خاک، سیصد و چهارده هزار و سیصد و سی و نه کیلومتر مربع؛ جمعیت، چهل و یک میلیون نفر؛ جمعیت متصرفات، سیصد و چهل و هفت میلیون نفر؛ پایتخت لندن، که دارای نه کرور نفوس است؛ مذهب، عیسوی پروتستانی؛ حکمران، ادوارد هفتم، تولد، در سنه هزار و هشتصد و چهل و یک میلادی، ۹ نوامبر، جلوس، ۱۵ فوریه سنه هزار و هشتصد و پنجاه و یک؛ ادخالات، دوازده هزار و یک صد و بیست و پنج میلیون فرانک؛ اخراجات، هشت هزار و دویست و پنج میلیون فرانک؛ سرباز، چهارصد و نود و سه هزار و یک صد و پانزده نفر؛ صاحب منصب، نوزده هزار و نهصد و بیست و پنج نفر؛ اسب، یک صد و پانزده هزار و هشتصد رأس؛ کشتی جنگی، سیصد و سی و نه فروند؛ دخل، چهار هزار و هفتاد و سه میلیون فرانک؛ خرج، سه هزار و هفتصد و نود و پنج میلیون فرانک؛ کشتی تجاری بادی، هفت هزار و هشتصد و نود و نه فروند؛ کشتی تجاری بخاری، هفت هزار و دویست و نود و هشت فروند؛ طول راه آهن، سی و چهار هزار و نهصد و بیست و دو کیلومتر؛ طول [سیم] تلگراف، هفتاد هزار و هفده کیلومتر؛ [طول سیم] تلفن، چهارده هزار و چهارصد و هشتاد کیلومتر.

### دولت ایتالیا

وسعت خاک، دویست و هفتاد و شش هزار و سیصد و چهل و هشت کیلومتر مربع؛ جمعیت، سی و یک میلیون نفر؛ مذهب، عیسوی کاتولیکی؛ پایتخت، رم، جمعیت پانصد هزار و ششصد و ده نفر؛ پادشاه، ویکتور امانوئل سوم، تولدش ۱۱ نوامبر سنه هزار و هشتصد و شصت و نه میلادی، جلوس اول ماه اوت هزار و نهصد، و زنش هلن است؛ ادخالات، یک هزار و پانصد و شش میلیون فرانک؛ اخراجات، یک هزار و چهارصد و سی و یک میلیون فرانک؛ سرباز، دویست و



بیست و چهار هزار و یک نفر؛ صاحب منصب، سیزده هزار و ششصد و چهارده نفر؛ توپ، یک هزار و هشتصد و ده عزّاده؛ اسب، چهل و هفت هزار و شش رأس؛ کشتی جنگی، سیصد و سی و شش فروند؛ دخل، یک هزار و هفتصد و بیست و شش میلیون فرانک؛ خرج، یک هزار و هفتصد و سی میلیون فرانک؛ کشتی تجاری بادی، پنج هزار و هفتصد و شصت و چهار فروند؛ کشتی تجاری بخاری، سیصد و هشتاد و چهار فروند؛ طول راه آهن، پانزده هزار و ششصد و نود و شش کیلومتر؛ طول [سیم] تلگراف، چهل و سه هزار و نهصد و هفتاد و یک کیلومتر.

### دولت بلژیک

وسعت خاک، بیست و نه هزار و چهارصد و پنجاه و شش کیلومتر مربع؛ جمعیت، هفت میلیون نفر؛ مذهب، عیسوی کاتولیک؛ پایتخت بروکسل، جمعیت، دویست و ده هزار و شصت و پنج نفر؛ پادشاه لیوید دوم، ولادت، نهم آوریل سنه هزار و هشتصد و سی و پنج، جلوس دهم دسامبر سنه هزار و هشتصد و شصت و پنج، زنش ماری ان ری یت؛ ادخالات، دو هزار و دویست و شصت میلیون فرانک؛ اخراجات، یک هزار و نهصد و چهل و نه میلیون فرانک؛ سرباز، چهل و هشت هزار و پانصد و سی نفر؛ صاحب منصب، سه هزار و چهارصد و هفتاد و دو نفر؛ توپ، دویست و چهار عزّاده؛ اسب، ده هزار و هشتصد و پنجاه و پنج رأس؛ کشتی تجاری بادی، شصت فروند؛ کشتی تجاری بخاری، شصت و هفت فروند؛ طول خطوط راه آهن، چهار هزار و چهارصد و نود و دو کیلومتر؛ طول سیم تلگراف، شش هزار و سیصد و هشتاد و پنج کیلومتر.

### دولت بلغارستان

وسعت خاک، پنجاه و شش هزار و ششصد و شصت کیلومتر مربع؛ جمعیت، پنج میلیون نفر؛ مذهب، عیسوی کرک ارتودکس؛ سلطان، فردیناند اول، ولادت، ۲۶ فوریه سنه هزار و هشتصد و شصت و یک، جلوس، هفتم ژوئیه هزار و هشتصد و هشتاد و هفت میلادی؛ پایتخت صوفیا، جمعیت، چهل و شش هزار و پانصد و

نود و سه [نفر]؛ ادخالات، ششصد و یک میلیون فرانک؛ اخراجات، پانصد و سی و چهار میلیون فرانک؛ سرباز، چهل هزار و پانصد و پنجاه و پنج نفر؛ صاحب منصب، دو هزار و پانصد نفر؛ توپ، سیصد و دوازده عرّاده؛ اسب، هفت هزار و چهارصد رأس؛ کشتی جنگی، شانزده فروند؛ دخل، هشتاد و چهار میلیون فرانک؛ خرج، هشتاد و سه میلیون فرانک؛ طول راه آهن، یک هزار و چهارصد و هشتاد و نه کیلومتر؛ طول [سیم] تلگراف، پنج هزار و دویست و سی و یک کیلومتر.

### دولت پرتغال

وسعت خاک، هشتاد و هشت هزار و نهصد و پنجاه و چهار کیلومتر مربع؛ جمعیت، پنج میلیون و پانصد هزار نفر؛ جمعیت متصرفات، هشت میلیون نفر؛ مذهب، کاتولیک؛ پایتخت، لیزبون با سیصد و دوازده هزار نفر جمعیت؛ پادشاه، شارل اول، تولّد سنه هزار و هشتصد و شصت و سه، جلوس نوزدهم اکتبر سنه هزار و هشتصد و هشتاد و نه، و زنش امیلی؛ ادخالات، دویست و هشتاد میلیون فرانک؛ اخراجات، یک صد و پنجاه و شش میلیون فرانک؛ سرباز، بیست و نه هزار و هفتصد و سه نفر؛ صاحب منصب، یک هزار و چهارصد و هشتاد و نه نفر؛ توپ، یک صد و چهل و چهار عرّاده؛ اسب، چهار هزار و یک صد و دوازده رأس؛ کشتی جنگی، بیست و هفت فروند؛ دخل، دویست و سی و چهار میلیون فرانک؛ خرج، دویست و چهل و شش میلیون فرانک؛ کشتی تجاری بادی، پانصد و شصت و هفت فروند؛ کشتی تجاری بخاری، شصت و سه فروند؛ طول راه آهن، دو هزار و سیصد و شصت و دو کیلومتر؛ طول [سیم] تلگراف، هفت هزار و سیصد و هشتاد و یک کیلومتر.

### دولت چین

واقع در آسیا؛ وسعت خاک، یازده میلیون و هشتاد و یک هزار و یک صد و نود و یک کیلومتر مربع؛ جمعیت، چهارصد میلیون نفر؛ پایتخت آن، پکن است جمعیت، پانصد هزار نفر؛ مذهب، بت پرست؛ حکمران، امپراطور کوانک سو، تولّد سنه هزار و هشتصد و هشتاد و دو، جلوس سنه هزار و هشتصد و پنجاه و پنج؛ ادخالات، یک هزار و شش میلیون فرانک؛ اخراجات، هفتصد و چهل و سه میلیون فرانک؛ سرباز، ششصد هزار نفر؛ کشتی جنگی، بیست و چهار فروند؛ دخل، سیصد و سی و چهار میلیون فرانک؛ خرج، سیصد و سی و چهار میلیون فرانک؛ کشتی تجاری بادی، نود و پنج فروند؛ کشتی

تجاری بخاری، دویست و پنجاه و هفت فروند؛ طول راه آهن، چهارصد و هفتاد کیلومتر.

### حبشه یا آبی سینی<sup>(۱)</sup>

وسعت خاک، پنجاه و چهار هزار کیلومتر مربع؛ جمعیت، شش میلیون نفر؛ ادخالات، شش میلیون فرانک؛ اخراجات، سه میلیون فرانک؛ سرباز، پانزده هزار نفر.

### دانمارک

واقع در اروپای شمالی؛ وسعت خاک، سی و سه هزار و ششصد و شصت و پنج کیلومتر مربع؛ جمعیت، دو میلیون و پانصد هزار نفر؛ مذهب، پروتستانی؛ پایتخت، کپنهاک، [یا] سیصد و سی و سه هزار و هشتصد و سی و پنج نفر جمعیت؛ پادشاه، کریستیان نهم، تولد هشتم آوریل سنه هزار و هشتصد و هیجده، جلوس، سنه هزار و هشتصد و شصت و سه میلادی؛ ادخالات، ششصد و چهارده میلیون فرانک؛ اخراجات، چهارصد و سی و چهار میلیون فرانک؛ سرباز، هشت هزار و نهصد و چهل و پنج نفر؛ صاحب منصب، هشتصد و بیست و چهار نفر؛ توپ، یکصد و بیست و هشت عرّاده؛ کشتی جنگی، شصت و دو فروند؛ دخل، یکصد و یک میلیون فرانک؛ خرج، نود و نه میلیون فرانک؛ کشتی تجاری بادی، سه هزار و دویست و پنجاه و چهار فروند؛ کشتی تجاری بخاری، پانصد و ده فروند؛ طول راه آهن، دو هزار و هفتصد و چهل و چهار کیلومتر؛ طول [سیم] تلگراف، شش هزار و هشتصد و هشتاد و سه کیلومتر؛ طول [سیم] تلفن، پنج هزار و هشتصد و هشتاد و شش کیلومتر.

### مملکت روس

واقع در اروپای شمالی؛ وسعت خاک، بیست و دو میلیون و چهارصد و سی

---

۱. حبشه، آبی سینی یا اتیوپی کشور بزرگی است در خاور آفریقا، واقع در باختر باب المندب و از کشورهای باستانی. در حال حاضر شامل سودان، کنیا، اریتره، جیبوتی و سومالی است.

هزار کیلومتر؛ جمعیت، یک صد و سی میلیون نفر؛ مذهب کرک ارتودکس؛ پایتخت، سنت پترزبورگ، [با] یک میلیون و دویست و شصت و هفت هزار و بیست و سه نفر جمعیت؛ امپراتور، نیکلای دوم، تولد هیجدهم می سنه هزار و هشتصد و شصت و هشت، جلوس، یکم نوامبر سنه هزار و هشتصد و نود و چهار میلادی، زن امپراتور، الکساندرا؛ ادخالات، دو هزار و چهارصد و شصت و هشت میلیون فرانک؛ اخراجات، دو هزار و نهصد و بیست و هشت میلیون فرانک؛ سرباز، یک میلیون و دویست و هفتاد هزار نفر؛ صاحب منصب، بیست و هفت هزار و پانصد نفر؛ دخل، هفت هزار و بیست و نه میلیون فرانک؛ خرج، هفت هزار و بیست و نه میلیون فرانک؛ کشتی جنگی، دویست و نود و شش فروند؛ قشون در حال امنیت، هشتصد و پنجاه هزار، و در روز رزم، هفت کرور [نفر]؛ کشتی تجاری بخاری، یک هزار و ششصد و هفتاد و چهار فروند؛ کشتی تجاری بادی، چهارصد و ده فروند؛ طول راه آهن، پنجاه و سه هزار و هفتصد و بیست سه کیلومتر؛ طول سیم تلگراف، یک صد و چهل و هفت هزار و هفتصد و نود و دو کیلومتر؛ طول سیم تلفن، پنج هزار و نهصد و هفتاد و هشت کیلومتر.

### دولت رومانی

واقع در اروپای جنوبی؛ وسعت خاک، یک صد و سی و یک هزار و بیست کیلومتر مربع؛ جمعیت، شش میلیون نفر؛ مذهب، کرک ارتودکس؛ پایتخت، بوخارست و جمعیت آن دویست و سی و دو هزار و هفده نفر؛ پادشاه، شارل اول، تولد بیستم آوریل سنه هزار و هشتصد و سی و نه، جلوس بیست و ششم مارس سنه هزار و هشتصد و شصت و شش؛ ادخالات، سیصد و هشتاد و نه میلیون فرانک؛ اخراجات، دویست و هشتاد و سه میلیون فرانک؛ سرباز، یک صد و شانزده هزار و دویست و هشتاد و یک نفر؛ صاحب منصب، سه هزار و چهارصد و هفتاد و دو نفر؛ توپ، سیصد و هشتاد و چهار عراده؛ اسب، بیست و یک هزار و سیصد و هیجده رأس؛ کشتی جنگی، بیست و هشت فروند؛ دخل، دویست و چهل و پنج میلیون فرانک؛ خرج، دویست و سی و هشت میلیون فرانک؛ کشت تجاری بادی، سیصد و

بیست و هفت فروند؛ کشتی تجاری بخاری، پنجاه و پنج فروند؛ طول راه آهن، سی و یک هزار و یک صد و هفتاد و دو کیلومتر؛ طول سیم تلگراف، شش هزار و نه صد و پنجاه و یک کیلومتر؛ [طول سیم] تلفن، دویست و چهل و نه کیلومتر.

### دولت ژاپن

واقع در جزایر آسیا؛ وسعت خاک، چهارصد و هفده هزار و سیصد و چهار کیلومتر مربع؛ جمعیت، چهل و شش میلیون نفر؛ پایتخت آن توکیو است با یک میلیون و سیصد و سی و سه هزار و دویست و پنجاه و شش نفر جمعیت؛ مذهب اهالی، بت پرستی یا بودائی؛ امپراطور، موت شوهی ده، تولد در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و دو، جلوس سنه هزار و هشتصد و شصت و هشت؛ ادخالات، یک هزار و یک صد و هشتاد و هشت میلیون فرانک؛ اخراجات، یک هزار و یک صد و پنجاه میلیون فرانک؛ سرباز، سیصد و نود و هفت هزار و هفتصد و پنجاه و پنج نفر؛ صاحب منصب، هشت هزار و هشتصد و پنجاه و هفت نفر؛ توپ، چهارصد و عراده؛ کشتی جنگی، پنجاه فروند؛ دخل، یک هزار و سیصد و سی و یک میلیون فرانک؛ خرج، یک هزار و دویست و هفت میلیون فرانک؛ کشتی تجاری بادی، یک هزار و نه صد و چهارده فروند؛ کشتی تجاری بخاری، یک هزار و یک صد و سی فروند؛ طول راه آهن، چهار هزار و هفتصد و چهل و هفت کیلومتر؛ طول سیم تلگراف، بیست و سه هزار و چهل و سه کیلومتر.

### دولت سوئد و نارویج

واقع در شمال اروپا؛ وسعت خاک، چهارصد و پنجاه هزار و پانصد و هفتاد و چهار کیلومتر مربع؛ جمعیت، هشت میلیون نفر؛ پایتخت آن، استکهلم است با جمعیت دویست و نود و پنج هزار و هفتصد و هشتاد و دو نفر؛ مذهب پروتستانی؛ حکمران، اسکار دویم، تولد بیست و یکم ژانویه سنه هزار و هشتصد و بیست و نه، جلوس هیجده سپتامبر سنه هزار و هشتصد و هفتاد و دو میلادی، وارث سلطنت برادر خویش گردیده است، زن پادشاه صوفی است؛ ادخالات، ششصد و پنج میلیون فرانک؛ اخراجات،

چهارصد و پنجاه و هفت میلیون فرانک؛ سرباز، سی و نه هزار و یک صد و بیست و چهار نفر؛ صاحب منصب، یک هزار و نهصد و چهل و شش نفر؛ اسب، شش هزار و هفتصد و نود و یک رأس؛ کشتی جنگی، شصت و دو فروند؛ دخل، دویست و دو میلیون فرانک؛ خرج، دویست و دو میلیون فرانک؛ کشتی تجاری بادی، دو هزار و چهار فروند؛ کشتی تجاری بخاری، هشتصد و هفده فروند؛ طول راه آهن، ده هزار و هفتصد و هفت کیلومتر؛ طول سیم تلگراف، چهارده هزار و هشتاد و چهار کیلومتر.

### سوئیس

وسعت خاک، چهل و یک هزار و سیصد و نود و شش کیلومتر مربع؛ جمعیت، سه میلیون نفر، یک میلیون پروتستانی و دو میلیون کاتولیکی است؛ پایتخت آن برن، پنجاه و پنج هزار و چهارصد و هفتاد و دو نفر جمعیت دارد؛ رئیس جمهوری، برنر، در سنه هزار و نهصد و یک به ریاست منتخب گردیده است؛ ادخالات، یک هزار و دویست و هشتاد و شش میلیون فرانک؛ اخراجات، هشتصد و شصت و پنج میلیون فرانک؛ صاحب منصب، یک هزار و یک صد و هشتاد و پنج نفر؛ توپ، سیصد و هشتاد و چهار عرّاده؛ دخل، یک صد میلیون فرانک؛ خرج، نود و هشت میلیون فرانک؛ طول راه آهن، سه هزار و نهصد و بیست و شش کیلومتر؛ طول سیم تلگراف، هشت هزار و پنجاه و نه کیلومتر؛ [طول سیم] تلفن، دوازده هزار و ششصد و شصت و پنج کیلومتر.

### مملکت سیام (تایلند)<sup>(۱)</sup>

واقع در آسیا؛ وسعت خاک، ششصد و سی و سه هزار کیلومتر مربع؛ جمعیت، ده میلیون نفر؛ مذهب اهالی بودائی؛ پایتخت آن بانکوک، با چهارصد هزار نفر جمعیت؛ حکمران، جولاند کورین، تولد، هزار و هشتصد و پنجاه و سه، جلوس سنه هزار و هشتصد و شصت و هشت؛ ادخالات، یک صد و چهل و چهار میلیون فرانک؛ اخراجات، یک صد و هشتاد و پنج میلیون فرانک؛ سرباز، بیست و شش هزار نفر؛ کشتی جنگی، هشت فروند؛ دخل، چهل و پنج میلیون فرانک؛ خرج،

۱. کشوری در آسیای جنوبی که در قسمت شبه جزیره هندوچین و در همسایگی کامبوج و لائوس واقع شده است.

چهل و پنج میلیون فرانک.

### عثمانی<sup>(۱)</sup>

واقع در آسیا و اروپا؛ وسعت خاک، دو میلیون و هشتصد و هشتاد و هشت هزار و چهارصد کیلومتر مربع؛ جمعیت، سی و چهار میلیون نفر؛ مذهب اهالی، اسلام؛ پایتخت آن، اسلامبول که دارای هشتصد و هفت کرور نفر جمعیت است؛ پادشاه السلطان اسلام پناه عبدالحمید خان، در بیست و یکم سپتامبر سنه هزار و هشتصد و چهل و دو متولد شده، در سی و یکم ماه اوت سنه هزار و هشتصد و هشتاد و شش بر تخت سلطنت جلوس نموده است؛ ادخالات، نهصد و هفتاد و دو میلیون فرانک؛ اخراجات، یکصد و بیست و چهار میلیون فرانک؛ سرباز، سیصد و پنجاه هزار نفر؛ کشتی جنگی، شصت و شش فروند؛ دخل چهارصد و بیست و شش میلیون فرانک؛ خرج، چهارصد و بیست و چهار میلیون فرانک؛ کشتی تجاری بادی، دو هزار و دویست و پنج فروند؛ کشتی تجاری بخاری، یکصد و هفتاد و هفت فروند؛ طول راه آهن، چهار هزار و پانصد کیلومتر؛ طول سیم تلگراف، سی و شش هزار و یکصد و سی و هشت کیلومتر.

### مملکت فرانسه

وسعت خاک، پانصد و بیست و هشت هزار و هشتصد و هفتاد و شش کیلومتر مربع؛ جمعیت، سی و هشت میلیون نفر؛ جمعیت متصرفات، چهل و چهار میلیون نفر؛ مذهب، کاتولیک؛ پایتخت؛ پاریس که تقریباً پنج کرور [نفر] نفوس

---

۱. عثمانی به ممالکی گفته می‌شد که آل عثمان یا سلاطین عثمانی در آن حکومت می‌کردند. آنان پادشاهانی بودند که از ۶۹۹ تا ۱۳۴۲ ق دولتی بزرگ تأسیس کردند. این سلسله به نام جدّ آنان عثمان بن ارطغرل که در ۶۵۶ ق متولد و در آنجا این سلسله را بنیان نهاد، نام‌گذاری شده است. سلاطین این سلسله تا سال ۹۷۹ ق یکی پس از دیگری به تسخیر ممالک اطراف خود تا شعاع وسیعی پرداختند، ولی از این سال دوران افول و ضعف این سلسله آغاز شد و متصرفات آنان یکی پس از دیگری از تحت تصرفشان خارج شد و استقلال یافت. محدوده کنونی آن شامل ولایات قدیم تراس، مقدونیه و اپیروس و ایلیریاست.

دارد؛ رئیس جمهوری، امیل لوبه، در سی و یکم دسامبر تولد یافته و در هیجدهم فوریه سنه هزار و هشتصد و نود و سه، به ریاست جمهوری منتخب گردیده است؛ ادخالات، چهار هزار و هشتصد و هیجده میلیون فرانک؛ اخراجات، چهار هزار و یک صد و پنجاه و چهار میلیون فرانک؛ سرباز، پانصد و چهل و پنج هزار و پانصد و شش نفر؛ صاحب منصب، چهل و هشت هزار و دویست و سی و هفت نفر؛ توپ، دو هزار و نهصد و چهل و شش عرّاده؛ اسب، یک صد و بیست و دو هزار و سیصد و هفتاد و هشت رأس؛ کشتی جنگی، چهارصد و نوزده فروند؛ دخل، سه هزار و پانصد و چهل و هشت میلیون فرانک؛ خرج، سه هزار و پانصد و چهل و هشت میلیون فرانک؛ کشتی تجاری بادی، چهارده هزار و چهارصد و شش فروند؛ کشتی تجاری بخاری، یک هزار و دویست و نه فروند؛ [طول] راه آهن، چهل و دو هزار و دویست و سی و هفت کیلومتر؛ [طول سیم] تلگراف، یک صد و بیست و هفت هزار و هشتصد و پنجاه و دو کیلومتر؛ [طول سیم] تلفن، بیست و یک هزار و پانصد و یازده کیلومتر؛ مکتوباتی که در سال خارج می شود، یک بیلیون و دویست و پنجاه میلیون و هفتصد و شصت و چهار هزار عدد؛ تمّول و ثروت فرانسه، دویست و پنجاه تریلیون فرانک است؛ در هنگام جنگ، هفت کرور و دویست و هفتاد و چهار هزار [نفر] قشون به میدان جنگ حاضر می نماید.

### دولت کره<sup>(۱)</sup>

وسعت خاک، دویست و هیجده هزار و ششصد و پنجاه کیلومتر مربع؛ جمعیت، ده میلیون و پانصد هزار نفر؛ مذهب اهالی، کاتولیک و بودائی است؛ پایتخت، سئول با دویست و یازده هزار و یک صد و نود و چهار نفر جمعیت؛ حکمران مملکت، یوکی نیک لیهسی، تولد در سنه هزار و هشتصد و شصت و چهار، جلوس،

۱. کره حدود نیم قرن گذشته در پی یک جنگ خونین، به دو کره شمالی و جنوبی تقسیم شد، و در حال حاضر، دو کشور مستقل می باشند.



سنه هزار و هشتصد و نود و هشت؛ ادخالات، بیست و چهار میلیون فرانک؛ اخراجات، دوازده میلیون فرانک؛ سرباز، چهل و هفت هزار نفر؛ [طول خط] راه آهن، چهل و دو کیلومتر.

### مصر

وسعت خاک، نهصد و نود و چهار هزار و دویست کیلومتر مربع؛ جمعیت، ده میلیون نفر؛ مذهب اهالی، اسلام؛ پایتخت، قاهره با پانصد و هفتاد هزار نفر جمعیت؛ حکمران، خدیو عباس حلمی پاشا، تولدش در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و چهار، ابتدای حکمرانی، سنه هزار و هشتصد و نود و دو؛ ادخالات، دویست و هشتاد و شش میلیون فرانک؛ اخراجات، سیصد و هشتاد و سه میلیون فرانک؛ سرباز، بیست و دو هزار و هفتصد و هشتاد و هفت نفر؛ صاحب منصب، نهصد و پانزده نفر؛ دخل، دویست و شصت و نه میلیون فرانک؛ خرج، دویست و شصت و نه میلیون فرانک؛ [طول خط] راه آهن، چهار هزار و چهار صد و یک کیلومتر؛ [طول سیم] تلگراف، سه هزار و سیصد و شصت و نه کیلومتر.

### منتنگرو یا قراداغ<sup>(۱)</sup>

واقع در اروپای جنوبی، وسعت خاک، نه هزار و هشتاد کیلومتر مربع؛ جمعیت، دویست و بیست و هفت هزار و هشتصد و چهل و یک نفر؛ پایتخت، شه تی نیه که دارای هفت هزار و نهصد و بیست نفر جمعیت است؛ مذهب، کرک ارتودکس، چهار هزار مسلمان، و چهار هزار کاتولیک هستند؛ حکمران، نیکولا، زنش، می لی، تولد حکمران، هزار و هشتصد و چهل و یک، جلوس او در چهاردهم ماه اوت سنه هزار و هشتصد و شصت و پنج؛ ادخالات، سه میلیون فرانک؛ اخراجات، سه میلیون فرانک؛ سرباز، سی و هفت هزار و دویست و پنجاه نفر.

---

۱. مونته نگرو، شاهزاده نشینی در ناحیه بالکان بود که در سال ۱۸۷۸ م با قرارداد برلین، استقلال یافت و در ۱۹۱۸ م به یوگسلاوی پیوست و اکنون پس از جدایی از یوگسلاوی، کشوری مستقل است.

## دولت نروژ

جمعیت، دو میلیون نفر؛ ادخالات، سیصد و هفتاد و دو میلیون فرانک؛ اخراجات، دویست میلیون فرانک؛ سرباز، سی هزار نفر؛ صاحب منصب، نهصد نفر؛ کشتی جنگی، چهل و پنج فروند؛ دخل، یک صد و شانزده میلیون فرانک؛ خرج، یک صد و بیست و سه میلیون فرانک؛ کشتی تجاری بادی، پنج هزار و ششصد و نود و هشت فروند؛ کشتی تجاری بخاری، یک هزار و یک صد و سی و هشت فروند؛ [طول خط] راه آهن، یک هزار و نهصد و هشتاد و یک کیلومتر؛ [طول سیم] تلگراف، یازده هزار و پانصد و سی و هفت کیلومتر.

## دولت هلند

وسعت خاک، سی و سه هزار کیلومتر مربع؛ جمعیت، پنج میلیون نفر؛ جمعیت متصرفات، سی و پنج میلیون نفر؛ مذهب اهالی، نصف کاتولیک و نصف پروتستانی؛ پایتخت، لاهه با یک صد و نود و نه هزار و دویست و هشتاد و پنج نفر جمعیت؛ حکمران، ملکه ویلهلمین، تولد سی ام ماه اوت سنه هزار و هشتصد و هشتاد و نه میلادی، جلوس بیست و سوم ماه دسامبر سنه هزار و هشتصد و نود میلادی، اما، مادرش نیابتاً از طرف او حکمرانی می نماید؛ ادخالات، چهار هزار و بیست و سه میلیون فرانک؛ اخراجات، سه هزار و سیصد و بیست و دو میلیون فرانک؛ سرباز، بیست و شش هزار و نهصد و هفتاد و هفت نفر؛ صاحب منصب، یک هزار و هشتصد و هشتاد و یک نفر؛ اسب، پنج هزار و هفتصد و هفتاد و پنج رأس؛ کشتی جنگی، نود و هشت فروند؛ دخل، سیصد و چهار میلیون فرانک؛ خرج، سیصد و هیجده میلیون فرانک؛ کشتی تجاری بادی، چهارصد و سی و دو فروند؛ کشتی تجاری بخاری، یک صد و نود و دو فروند؛ [طول خطوط] راه آهن، دو هزار و هشتصد و پنج کیلومتر؛ [طول سیم] تلگراف، پنج هزار و نهصد و سی و هفت کیلومتر.

## دولت یونان یا گرس

وسعت خاک، شصت و چهار هزار و ششصد و هفتاد و نه کیلومتر مربع؛ جمعیت، دو میلیون و پانصد هزار نفر؛ مذهب اهالی، ارتودکس؛ پایتخت، آتن با یکصد و یازده هزار و چهارصد و هشتاد و شش نفر جمعیت؛ حکمران، ژرژ اول، تولد در بیست و چهارم دسامبر سنه هزار و هشتصد و چهل و پنج، جلوس پنجم ژوئن سنه هزار و هشتصد و شصت و سه میلادی؛ ادخالات، یکصد و بیست و هشت میلیون فرانک؛ اخراجات، نود و چهار میلیون فرانک؛ سرباز، بیست و سه هزار و چهارصد و پنجاه و سه نفر؛ صاحب منصب، یک هزار و هشتصد و هشتاد نفر؛ اسب، یکصد و پانزده هزار و هشتصد رأس؛ کشتی جنگی، شصت و نه فروند؛ دخل، یکصد و دوازده میلیون فرانک؛ خرج، یکصد و یازده میلیون فرانک؛ کشتی تجاری بادی، یک هزار و یکصد و پنجاه و دو فروند؛ کشتی تجاری بخاری، یکصد و هیجده فروند؛ [طول خطوط] راه آهن، نهصد و پنجاه و دو کیلومتر؛ [طول سیم] تلگراف، هشت هزار و سیصد و هفتاد و نه کیلومتر؛ [طول سیم] تلفن، نهصد و هشت کیلومتر.

\* \* \*

## اطلاعات [جغرافیایی از کره زمین]

وزن کره ارض: پنج هزار و ششصد و نود تریلیون تن؛ وسعت سطح کره زمین: پانصد و نه میلیون و نهصد و پنجاه هزار و هفتصد و دو کیلومتر مربع؛ خشکی کره ارض: یکصد و سی و هشت میلیون و هشتاد و شش هزار و پانصد و پنجاه و پنج کیلومتر مربع؛ آب یا اقیانوس: سیصد و هفتاد و چهار میلیون و چهارصد و پنجاه و نه هزار و نهصد و شصت کیلومتر مربع؛ وسعت اقیانوس ساکن: یکصد و هفتاد و پنج میلیون و چهارصد و چهل و پنج هزار و یکصد کیلومتر مربع؛ عمق اقیانوس ساکن: نه هزار و چهارصد و بیست و هفت متر؛ وسعت اقیانوس اطلس: هشتاد و نه میلیون و نهصد و پنجاه و هفت هزار و هشتصد کیلومتر مربع، و عمق آن هشت هزار و

دویست و چهل متر؛ وسعت اقیانوس هند: هفتاد و چهار میلیون و سی و نه هزار و ششصد کیلومتر مربع، و عمق آن شش هزار و سیصد و پنجاه متر؛ وسعت اقیانوس منجمد شمالی: دوازده میلیون و هفتصد و نود و پنج هزار و نهصد کیلومتر مربع، و عمق آن چهار هزار و هشتصد و چهل و پنج متر؛ وسعت اقیانوس منجمد جنوبی: پانزده میلیون و ششصد و سی هزار کیلومتر مربع، و عمق آن سه هزار و ششصد و دوازده متر؛ تعداد نفوس کره ارض: یک بیلیون و پانصد و هفتاد و سه میلیون و یکصد و نود و چهار هزار نفر.

### [جمعیت پیروان ادیان مختلف]

عیسوی: پانصد و هشت میلیون نفر؛ مسلمان: دویست و دوازده میلیون نفر؛ یهود: هشت میلیون نفر؛ بت پرست: هشتصد و نود و یک میلیون نفر.

### [جمعیت قاره‌ها]

جمعیت اروپا: سیصد و نود و پنج میلیون و هشتصد و هفتاد هزار نفر؛ جمعیت آسیا: هشتصد و بیست و پنج میلیون و نهصد و پنجاه و چهار هزار؛ جمعیت آفریقا: یکصد و شصت و چهار میلیون نفر؛ جمعیت آمریکا: یکصد و سی و هفت میلیون و هفتصد و نود هزار نفر؛ جمعیت استرالیا: پانصد میلیون و هشتصد هزار نفر.

### [آمار مرگ و میر و زاد و ولد در جهان]

از تمام جمعیت عالم، در سال سی و سه میلیون نفر؛ در هر روز نود و شش هزار نفر؛ در هر ساعت سه هزار و هفتصد و سی نفر؛ در هر دقیقه شصت نفر و در هر ثانیه یک نفر می‌میرد.

در تمام سال، در دنیا چهل و دو میلیون نفر؛ در هر روز صد هزار و هشتصد نفر؛ در هر ساعت چهار هزار و دویست نفر؛ در هر دقیقه هفتاد و شش نفر و در هر ثانیه دوازده نفر متولد می‌شوند.

تعداد زنان با مردان تقریباً مساوی است.

### [میانگین عمر مردم]

تخمیناً عمر متوسط، یعنی روی هم هر یکی، سی و سه سال است. عمر یک ربع مردم، هفت سال؛ عمر نصف مردم، چهل سال؛ از صد نفر، شش نفر شصت سال؛ از پانصد نفر، یک نفر هشتاد سال و از هزار نفر، یک نفر صد سال است.

اشخاص متأهل، بیشتر از اشخاص بی زن عمر می نمایند؛ و اشخاص ممسک و زحمت کش، بیشتر از اشخاص مسرف و بی کار؛ طوایف متمدّن و تربیت شده، بیشتر از طوایف وحشی عمر می نمایند. نکاح تخمیناً در سال، هشتاد و دو میلیون واقع می شود؛ از هر صد و بیست نفر، یک نفر متأهل می شود.

### طول اعمار اصناف انسانها از این قرار است:

برزگر و زارع و باغبان، تخمیناً شصت و چهار سال عمر می نمایند؛ فعله و عمله و اشخاصی که زیاد زحمت می کشند، سی و دو سال عمر می نمایند؛ حکاک و حجّار و چاپچی و حروف چین، چهل و چهار سال عمر می نمایند؛ نجّار و بنا و نقّاش در و دیوار، چهل و نه سال عمر می نمایند؛ نانوا و نقّاش و قصاب، پنجاه و چهار سال عمر می نمایند؛ اطّبا، چهل و نه سال عمر می نمایند؛ صاحب منصب و صرّاف و محاسب و صاحب بانک، پنجاه سال عمر می نمایند؛ حکام، پنجاه و چهار سال عمر می نمایند؛ معلّمین، پنجاه و هفت سال عمر می نمایند؛ اهل شرع از قبیل مجتهد و کشیش و وعاظ و طلاب، شصت و هفت سال عمر می نمایند.

پیرترین اهل عالم، شخصی است موسوم به برونو کترین، از اهالی پرتغال، که در آفریقا متولد شده است [و] یک صد و پنجاه و یک سال عمر دارد.

**[اطلاعات متفرقه]**

انسان سالم در هر دقیقه، هیجده دفعه تنفس می‌نماید. ضربان نبض انسان تخمیناً در هر دقیقه، هفتاد و پنج دفعه است.

انسانی که هفتاد سال عمر نماید، در تمام عمرش [این مواد غذایی را] خورده است: گاو، سی‌رأس؛ گوسفند، دویست‌رأس؛ گوساله، صد‌رأس؛ بز، پانصد‌رأس؛ جوجه، دو‌هزار و دویست قطعه و تخم مرغ هزار عدد.

السنة مختلفه متداوله که در تمام روی زمین به آنها تکلم می‌نمایند، سی‌هزار و شصت و چهار نوع است. مذاهب مختلفه هزار نوع است.

**محصولات معدنی و رستنی تمام عالم**

حبوبات، هر سالی پنج بیلیون هکتاکتیر حاصل می‌شود؛ شراب، هر سالی یک‌صد و پنجاه میلیون هکتاکتیر حاصل می‌شود؛ آب‌جو، هر سالی یک‌صد و هفتاد و پنج [...] حاصل می‌شود؛ شکر و قند، هر سالی پنج میلیون و سیصد هزار تن حاصل می‌شود؛ قهوه، هر سالی یک میلیون و دویست هزار تن حاصل می‌شود؛ پنبه، هر سالی دو میلیون و ششصد و پنجاه هزار تن حاصل می‌شود؛ آهن، هر سالی بیست و سه میلیون و سیصد هزار تن حاصل می‌شود؛ نقره، هر سالی سه میلیون و نهصد و هفتاد و پنج هزار کیلو حاصل می‌شود؛ طلا، در هر سالی دویست و پانزده هزار کیلو حاصل می‌شود.

تجارت روی زمین، در تمام سال نود و پنج بیلیون فرانک است.

**[خطوط راه آهن و تلگراف در جهان]**

طول خطوط راه آهن تمام دنیا، هفتصد و چهل و دو هزار کیلومتر [است]: اروپا، دویست و شصت و هشت هزار کیلومتر؛ آسیا، چهل و هشت هزار کیلومتر؛ استرالیا، بیست و شش هزار کیلومتر؛ آفریقا، هیجده هزار کیلومتر؛ آمریکا، سیصد و هشتاد و دو هزار کیلومتر.

مخارج ساختن تمام خطوط راه آهن دنیا، یک‌صد و پنجاه و یک بیلیون و

هشتصد هزار میلیون فرانک؛ از این مخارج مذکور، خرج شده در اروپا، پانزده بلیون فرانک.

طول خطوط تلگراف تمام عالم، یک میلیون و پانصد هزار کیلومتر.

### مصارف دول معظمه از برای قشون و جنگ:

دولت آلمان، در سال نهصد و هیجده میلیون و ششصد و نود و پنج هزار فرانک؛ دولت اطریش و مجارستان، سیصد و پنجاه و پنج میلیون و چهارصد و هشتاد و دو هزار فرانک؛ دولت انگلیس، هفتصد و نود و شش میلیون؛ دولت ایتالیا، سیصد و چهل و سه میلیون و هفتصد و چهل و چهار فرانک؛ دولت روس، نهصد میلیون فرانک؛ دولت فرانسه، هشتاد و سه میلیون و شصت و هفت هزار فرانک؛ دولت سروی، یازده میلیون فرانک؛ دولت نروژ، شانزده میلیون فرانک.

### سلاطین و حکمران‌های ممالک روی زمین

ایران: السلطان مظفرالدین شاه، شاهنشاه کل ممالک محروسه ایران؛ تولد، هزار و هشتصد و پنجاه و سه میلادی؛ جلوس میمنت مانوس اعلی حضرت شاهنشاه، روز بیست و ششم ذیحجه سنه هزار و سیصد و سیزده هجری.

آلمان: اعلی حضرت ویلهلم دوم؛ تولد، بیست و هفتم ژانویه سنه هزار و هشتصد و پنجاه و نه میلادی؛ جلوس، پانزدهم ژوئن سنه هزار و هشتصد و هشتاد و هشت میلادی مسیحی. اطریش هنگری: اعلی حضرت فرانسوا ژوزف؛ تولد، هیجدهم اوت سنه هزار و هشتصد و سی میلادی؛ جلوس، دوم دسامبر سنه هزار و هشتصد و چهل و هشت میلادی.

آبی سینی یا حبشه: سنیک؛ جلوس، سنه هزار و هشتصد و هشتاد و نه میلادی. انگلیس یا بریتانیای کبیر: اعلی حضرت ادوارد هفتم؛ تولد، نهم نوامبر سنه هزار و هشتصد و چهل و یک؛ جلوس، پانزدهم فوریه سنه هزار و نهصد و یک میلادی. افغانستان: میر حبیب‌الله خان است.

ایتالیا: ویکتور امانوئل سیم؛ تولد، یازدهم نوامبر سنه هزار و هشتصد و شصت و نه میلادی؛ جلوس، بیست و نهم ژوئیه سنه هزار و نهصد و سیصد و یک میلادی.

آنام<sup>(۱)</sup>: سلطان تان تائی؛ تولد، سنه هزار و هشتصد و هفتاد و نه میلادی.  
آرژانتین: رئیس جمهور روکا؛ جلوس، سنه هزار و هشتصد و نود و هشت  
میلادی.

آتازونی: رئیس جمهوری روزولت؛ تولد...؛ جلوس، سنه هزار و نهصد و یک  
میلادی.

اکواتر: رئیس جمهوری القابره؛ جلوس، هزار و هشتصد و نود و شش میلادی.  
اسپانیول: الفونس هشتم؛ تولد، هفدهم مه هزار و هشتصد و هشتاد و شش؛  
جلوس، هفدهم مه هزار و هشتصد و هشتاد و شش میلادی.

اوراکوه: رئیس جمهوری کستاس؛ جلوس، هزار و هشتصد و نود و نه میلادی.  
باواری: اُطن اول؛ تولد، بیست و هفتم آوریل؛ جلوس، سیزده ژوئن هزار و  
هشتصد و هشتاد و شش میلادی.

بلژیک: لیوید دوم؛ تولد، نهم آوریل هزار و هشتصد و سی و پنج؛ جلوس، دهم  
دسامبر هزار و هشتصد و شصت و پنج میلادی.

بلغارستان: فردیناند اول؛ تولد، بیست و ششم فوریه هزار و هشتصد و پنجاه و  
یک؛ جلوس: هفتم ژوئیه هزار و هشتصد و هشتاد و هفت میلادی.

بلوچستان: میرخداداد خان؛ جلوس، سنه هزار و هشتصد و پنجاه و شش  
میلادی.

بوئی وی: رئیس جمهوری پاندو؛ جلوس، سنه هزار و هشتصد و نود و شش  
میلادی.

برنئو: سلطان اکامالدین هازیم جلیل الامام؛ جلوس، هزار و هشتصد و پنجاه  
میلادی.

بخارا: امیر سعید عبدالاحد خان؛ تولد، هزار و هشتصد و پنجاه و نه؛ جلوس،  
هزار و هشتصد و هشتاد و پنج میلادی.

برزیل: رئیس جمهوری کامبیوس؛ سال انتخاب، سنه هزار و هشتصد و نود و  
هشت میلادی.

---

۱. نام مملکتی در شرق شبه جزیره هندوچین که از شهرهای مهم آن توران است.



پرتغال: شارل اول؛ تولد، بیست و هشتم سپتامبر سنه هزار و هشتصد و شصت و سه میلادی؛ جلوس، نوزدهم اکتبر سنه هزار و هشتصد و هشتاد و نه میلادی.  
پرو: رئیس جمهوری لوپز رمان؛ انتخاب، سنه هزار و هشتصد و هشتاد و نه میلادی.

تونس: سیدی علی بیک؛ تولد، هزار و هشتصد و هفده؛ جلوس، هزار و هشتصد و هشتاد و دو میلادی.

چین: امپراتور کوانک سو؛ تولد، هزار و هشتصد و هشتاد و دو؛ جلوس، هزار و هشتصد و هشتاد و پنج میلادی.

خیوا: سید محمد رحیم خان؛ تولد، سنه هزار و هشتصد و پنجاه و یک میلادی؛ جلوس سنه هزار و هشتصد و شصت و پنج میلادی.

دانمارک: کریستیان نهم؛ تولد، هشتم آوریل هزار و هشتصد و هیجده؛ جلوس، پانزدهم نوامبر هزار و هشتصد و شصت و سه میلادی.

دومینکن: رئیس جمهور ژیمی نزا؛ تولد، هزار و هشتصد و چهل و شش؛ انتخاب، هزار و هشتصد و نود و سه میلادی.

زنگبار: سلطان حمود؛ جلوس، هزار و هشتصد و نود و شش میلادی.

روسیه: امپراتور نیکولای دوم؛ تولد، هیجدهم می هزار و هشتصد و شصت و هشت؛ جلوس، یکم نوامبر هزار و هشتصد و نود و دو میلادی.

رومانی: شارل اول؛ تولد، بیستم آوریل هزار و هشتصد و سی و نه؛ جلوس، بیست و ششم مارس هزار و هشتصد و شصت و شش میلادی.

ژاپن: امپراتور موت سوئی دو؛ تولد، هزار و هشتصد و پنجاه و دو؛ جلوس، هزار و هشتصد و شصت و هشت میلادی.

سربی: الکساندر؛ تولد، چهاردهم اوت هزار و هشتصد و هفتاد و شش؛ جلوس، ششم مارس هزار و هشتصد و هشتاد و شش میلادی.

سیام: شوالنک گرن؛ تولد، هزار و هشتصد و پنجاه و سه؛ جلوس، هزار و هشتصد و شصت و شش میلادی.

ساکس: آلبرت؛ تولد، بیست و سیّم آوریل هزار و هشتصد و بیست و دو؛ جلوس، بیست و سیّم اکتبر هزار و هشتصد و هفتاد و سه میلادی.

سوئد و نروژ: اسکار دوم؛ تولد، بیست و یکم ژانویه هزار و هشتصد و بیست و نه؛ جلوس، هیجده سپتامبر هزار و هشتصد و هفتاد و دو میلادی.

سوئیس: رئیس جمهوری برنر؛ [جلوس]، در هزار و نهصد و یک، و به جهت سنّه هزار و نهصد و دو، مسیورنیب.

سالوادور: رئیس جمهوری رگالوا؛ انتخاب، هزار و هشتصد و نود و پنج میلادی. ساموآ: مالی آتوا؛ جلوس، هزار و هشتصد و نود و نه میلادی.

شیلی: رئیس جمهوری ری یسکو؛ انتخاب، هزار و هشتصد و شصت و یک میلادی. عثمانی: اعلیٰ حضرت سلطان عبدالحمید خان دوم؛ تولد، بیست و یکم سپتامبر سنّه هزار و هشتصد و چهل و دو؛ جلوس، سی و یکم اوت هزار و هشتصد و هفتاد و شش میلادی.

فرانسه: رئیس جمهوری امیل لوبه؛ تولد، سی و یکم دسامبر؛ انتخاب: هیجده فوریه هزار و هشتصد و نود و سه میلادی.

کامبوج: نوردم؛ جلوس، هزار و هشتصد و هشتاد و چهار میلادی. کلمبیا: رئیس جمهوری ماراکین؛ انتخاب، هزار و هشتصد و نود و هشت میلادی. کره: یوکی نیک لیهسی؛ تولد، هزار و هشتصد و شصت و چهار؛ جلوس، هزار و هشتصد و نود و هشت میلادی.

کیرت<sup>(۱)</sup>: حاکم پرنس ژرژ یومانستان؛ تولد، هزار و هشتصد و شصت و نه؛ جلوس، هزار و هشتصد و نود و هشت میلادی.

کاستاریکا: رئیس جمهوری ایکل زیاماس؛ تولد: هزار و هشتصد و شصت و یک؛ انتخاب، هزار و هشتصد و نود و چهار میلادی.

گرس یا یونانستان: ژرژ اول؛ تولد، بیست و چهارم دسامبر هزار و هشتصد و چهل و پنج؛ جلوس، پنجم ژوئن هزار و هشتصد و شصت و سه میلادی.

۱. جزیره‌ای در مدیترانه شرقی، متعلق به یونان.

گوامات لا: رئیس جمهوری کابریا؛ انتخاب، هزار و هشتصد و نود و هشت میلادی.

لیبریا: رئیس جمهوری کل مان؛ انتخاب، هزار و هشتصد و نود و هشت میلادی.  
موناکو: آلبرت؛ تولد، سیزدهم نوامبر هزار و هشتصد و چهل و هشت؛ جلوس، شانزدهم سپتامبر هزار و هشتصد و هشتاد و نه میلادی.

مونتنیگرو: نیکولای اول؛ تولد، هزار و هشتصد و چهل و یک؛ جلوس، چهاردهم ماه اوت سنه هزار و هشتصد و شصت و پنج میلادی.

مصر: خدیو عباس حلمی؛ تولد، هزار و هشتصد و هفتاد و چهار؛ انتخاب، هزار و هشتصد و نود و دو میلادی.

ماروک یا مراکش: سلطان عبدالعزیز؛ تولد، هزار و هشتصد و هفتاد و هشت؛ جلوس، هزار و هشتصد و نود و چهار میلادی.

مکزیک: رئیس جمهوری پرنی ریولدیاز؛ تولد، هزار و هشتصد و سی؛ جلوس، هزار و هشتصد و نود و دو میلادی.

ونزوئلا: رئیس جمهوری کاسترو؛ انتخاب، هزار و هشتصد و نود و نه میلادی.  
هلند: ملکه ویلهلمین، تولد، سی ام اوت هزار و هشتصد و هشتاد و نه؛ جلوس، بیست و سوم دسامبر هزار و هشتصد و نود میلادی.

هائیتی: رئیس جمهوری سیمون سام؛ انتخاب، هزار و هشتصد و نود و شش میلادی.

هندوراس: رئیس جمهوری سی اِرا؛ انتخاب، سنه هزار و هشتصد و نود و هشت میلادی.

### تاریخ اختراعات و وقایع عظیمه عالم تا سنه هزار و نهصد و دو میلادی

موافق کتاب مقدس، هفت هزار و چهارصد و دوازده سال از خلقت عالم تا به حال گذشته است.

از طوفان نوح تا کنون، پنج هزار و یکصد و شصت و شش سال گذشته است.  
از اختراع حروف در چین، چهار هزار و هشتصد و چهل و چهار سال گذشته است.

از بنای شهر نینوا، چهار هزار و پانصد و چهل و شش سال گذشته است.  
 از بنای سلطنت مصریان، چهار هزار و دویست و پنجاه و سه سال گذشته است.  
 از بنا نهادن برج بابل، سه هزار و ششصد و پنجاه و سه سال گذشته است.  
 از ابتدای شیوع استعمال آهن، سه هزار و یکصد و پنجاه و سه سال گذشته است.  
 از استعمال چاپخانه در میان چینی‌ها، سه هزار و پنجاه و سه سال گذشته است.  
 از استعمال سکه نقره، دو هزار و هفتصد و سه سال گذشته است.  
 از بنای دیوار چین، دو هزار و دویست و هیجده سال گذشته است.  
 از اختراع کاغذ پوستی، دو هزار و دویست و سه سال گذشته است.  
 از ساختن کاغذ از پنبه در چین، دو هزار و شصت و سه سال گذشته است.  
 از اختراع صابون سازی در میان رومیان، دو هزار و چهارده سال گذشته است.  
 از بنای اول آسیاب در مملکت روم، هزار و نهصد و شش سال گذشته است.  
 از بنای اول بلورسازی در مملکت روم، هزار و هشتصد و چهل و سه سال گذشته است.  
 از استعمال کاغذ در اروپا، هزار و نود و شش سال گذشته است.  
 از اختراع شکر در میان اعراب، هزار و سی و سه سال گذشته است.  
 از اختراع نمودن کوریتو پیانوزن نت موزیک، هفتصد و هشتاد و شش سال  
 گذشته است.  
 از اختراع عینک در فلورانس که شهری است در ایتالیا، ششصد و چهار سال  
 گذشته است.

از اختراع باروت، پانصد و شصت و پنج سال گذشته است.  
 از اختراع سوزن، پانصد و سی و هشت سال گذشته است.  
 از اختراع توپ، پانصد و بیست و سه سال گذشته است.  
 از اول طبع کتاب در اروپا، چهارصد و پنجاه و سه سال گذشته است.  
 از افتتاح اولین پستخانه در مملکت فرانسه، چهارصد و سی و شش سال گذشته است.  
 از انکشاف ینگنی دنیا<sup>(۱)</sup> به توسط کریستف کلمب، چهارصد و یازده سال گذشته است.

۱. ینگنی، واژه ترکی به معنی نو. یانکی نامی است که مردم انگلستان به استهزا، به مردم

از اختراع ساعت بغلی، چهار صد و سه سال گذشته است.  
از اختراع دوربین در آلمان، سیصد و سیزده سال گذشته است.  
از شیوع استعمال چایی در اروپا، دویست و نود و سه سال گذشته است.  
از انتشار اول روزنامه چایی در اروپا، دویست و چهارده سال گذشته است.  
از اختراع ماشین بخار، دویست و چهارده سال گذشته است.  
از اختراع بالن، یک صد و بیست و چهار سال گذشته است.  
از انکشاف الکتریسیته کالوانی به توسط کالوان، یک صد و سیزده سال گذشته است.  
از اختراع قلم آهن در انگلستان، یک صد سال گذشته است.  
از اختراع کشتی بخار، یک صد سال گذشته است.  
از اختراع عکاسی به توسط تابلت انگلیسی، شصت و چهار سال گذشته است.  
از اختراع تلگراف، شصت و دو سال گذشته است.  
از کشیدن سیم تلگراف از واشنگتن تا باتی مور، پنجاه و پنج سال گذشته است.  
از اختراع لورور تا سنه ۱۹۰۲، پنجاه و دو سال گذشته است.  
از اختراع اوسون حکیم، ماشین فوتوگراف را، بیست و شش سال گذشته است.  
از اختراع چراغ برق، بیست و چهار سال گذشته است.  
از اختراع تلفن، بیست و سه سال گذشته است.

#### اختلاف ساعات اماکن مختلفه، در وقتی که در پاریس ظهر است

در تهران از ظهر، سه ساعت و شانزده دقیقه گذشته است.  
در لندن ادیم بورگ لیورپول، ده دقیقه به ظهر مانده است.  
در رم، پانزده دقیقه از ظهر گذشته است.  
در شیکاگو، شش ساعت از ظهر گذشته است.  
در پکن، هفت ساعت و سی و هفت دقیقه از ظهر گذشته است.

---

اتازونی دادند و از طرف جنوبی‌های آمریکا به شمالی‌ها و اکنون در همه جای دنیا از روی خشم به آمریکایی‌ها گفته می‌شود.

در پترزبورگ، یک ساعت و بیست و پنج دقیقه از ظهر گذشته است.  
 در برلن، وین، کولون، مونیخ و زرد، پانزده دقیقه از ظهر گذشته است.  
 در ورشو، یک ساعت و پانزده دقیقه از ظهر گذشته است.  
 در نیویورک، هفت ساعت و پنج دقیقه از ظهر گذشته است.  
 در کلکته، پنج ساعت و بیست و چهار دقیقه از ظهر گذشته است.  
 در اسلامبول، یک ساعت و چهل و هفت دقیقه از ظهر گذشته است.

### [جمعیت] بزرگ ترین شهرهای عالم

پکن، پایتخت چین: چهار میلیون و پانصد هزار نفر.  
 لندن، پایتخت انگلیس: چهار میلیون و یک صد و نود هزار نفر.  
 پاریس، پایتخت فرانسه: دو میلیون و دویست و هشتاد و هشت هزار و هشتصد نفر.

نیویورک، شهر معظمی است در اتازونی: یک میلیون و پانصد هزار نفر.  
 وین، پایتخت اطریش: یک میلیون و یک صد و سی و شش هزار و دویست و هفتاد نفر.

برلین، [پایتخت آلمان]: یک میلیون و یک صد و بیست و پنج نفر.  
 پترزبورگ، پایتخت روس: نهصد و بیست و نه هزار نفر.  
 مسکو، شهر معظمی است در روس: هشتصد و پنجاه و چهار هزار نفر.  
 اسلامبول، پایتخت عثمانی: هشتصد و سی هزار نفر.  
 ناپل، شهر معظمی است در ایتالیا: چهارصد و نود و چهار هزار نفر.

### مرتفع ترین کوه‌های روی زمین

کوه کوریزان کار، در آسیا: هشت هزار و هشتصد و چهل متر؛ کوه اکن کاگوا، در آمریکای جنوبی: هفت هزار و بیست متر؛ کوه کیلیمانجارو، در آفریقا: شش هزار متر؛ کوه لوکان، در آمریکای شمالی: پنج هزار و نهصد متر؛ کوه منبلان، در اروپا: چهار هزار و هشتصد و ده متر؛ کوه ما او ناکه‌آ، در جزیره‌ی هاوایی: چهار هزار و دویست و ده متر.

### بزرگ‌ترین جزایر روی زمین و وسعت آنها

جزیره گردانلاند: دو میلیون و یک صد و هفتاد هزار کیلومتر مربع؛ جزیره نوول  
گینه: هفتصد و هشتاد و پنج هزار و سیصد و شصت کیلومتر؛ جزیره برن دو:  
هفتصد و سی و سه هزار و سیصد و سی کیلومتر مربع؛ جزیره ماداگاسکار: پانصد  
و نود و یک هزار و پانصد و شصت کیلومتر مربع؛ جزیره سوماترا: چهارصد و سی  
و یک هزار و سیصد و هشتاد کیلومتر مربع؛ جزیره نی‌پن: دویست و بیست و  
شش هزار و پانصد و هشتاد کیلومتر مربع؛ جزیره‌های بریتانیای کبیر: دویست و  
هفده هزار و هفتصد و بیست کیلومتر مربع؛ جزیره نوول زیلاند شمالی: یک صد و  
چهل و نه هزار و نهصد و نه کیلومتر مربع؛ جزیره جاوا: یک صد و بیست و پنج  
هزار و نهصد کیلومتر مربع؛ جزیره کوبا: یک صد و هیجده هزار و هشتصد و سی  
کیلومتر مربع؛ جزیره ایسلاند: یک صد و چهار هزار و هفتصد و هشتاد  
کیلومتر مربع.

### بزرگ‌ترین دریاچه‌های روی زمین

بحر خزر: چهارصد و سی و هشت هزار و نهصد و شصت کیلومتر مربع؛ دریاچه  
سوپریور: هشتاد و یک هزار و سیصد و هشتاد کیلومتر مربع؛ دریاچه ویکتوریا نیانزا:  
هفتاد و هشت هزار و پانصد کیلومتر مربع؛ دریاچه آرال: شصت و هفت هزار و  
هفتصد و هفتاد کیلومتر مربع؛ دریاچه میشیگان: شصت و شش هزار و دویست و  
هشتاد کیلومتر مربع؛ دریاچه چاد: سی و نه هزار کیلومتر مربع؛ دریاچه طانکانیکا:  
سی و پنج هزار و یک صد کیلومتر مربع؛ دریاچه بای کال: سی و چهار هزار و  
یک صد و هشتاد کیلومتر مربع؛ دریاچه لادوگا: هیجده هزار و یک صد و نوزده  
کیلومتر مربع.

### تعداد ستاره‌ها

ستاره‌هایی که با چشم غیر مسلح دیده می‌شوند، چهارده هزار و سیصد عدد  
هستند؛ در نیم کره شمالی، شش هزار و یک صد عدد [و] در نیم کره جنوبی، هفت

هزار و دویست عدد.

دوری کره قمر از کره ارض، سیصد و شصت و دو هزار و سیصد و سی و چهار درست روس.

حجم کره قمر، چهل و نه دفعه بزرگتر است از کره ارض [!؟]  
بعده کره شمس از کره ارض، صد و چهل میلیون درست روس.  
حجم کره شمس، یک میلیون و سیصد هزار دفعه بزرگتر از زمین.<sup>(۱)</sup>

### مسکوکات طلا و نقره روی زمین

مسکوکات طلا و نقره از آن اندازه که تصور می‌نماییم، خیلی کمتر است. در دنیا موافق محاسبه وزیر مسکوکات اتازونی، در تمام دنیا تقریباً بیست و چهار میلیارد فرانک پول طلا، و بیست میلیارد فرانک پول نقره است که در تمام دنیا می‌گردد و بعضی وقت‌ها در مملکتی زیاد و در دیگری کم می‌شود. هر آینه [اگر] تمام پول در میان یک میلیارد و پانصد میلیون [نفر] جمعیت دنیا تقسیم شود، [به] هر نفری شانزده فرانک طلا و سیزده فرانک پول نقره خواهد رسید.

مملکت اتازونی که [به] زمین طلاخیز موسوم شده است، فقط پنج میلیارد پول طلا، و سه میلیارد پول نقره دارد. پس معلوم [می‌شود] که سه هزار و هشتصد و بیست و هشت نفر میلیونر و میلیاردرهای اتازونی، فقط به اعتبار و به اسم دولتمند هستند، نه به پول.

### تمول ممالک روی زمین (پول طلا و پول نقره):

اتازونی، دارای پنج میلیارد و یکصد و یک میلیون فرانک پول طلا، و سه میلیارد و دویست و شانزده میلیون فرانک پول نقره؛  
فرانسه، دارای چهار میلیارد و پنجاه و سه میلیون فرانک پول طلا، و دو میلیارد و

۱. البته این محاسبات براساس وسایل ابتدایی آن روزگار که بیش‌تر تخمینی حدس زده می‌شد، آورده شده و امروزه می‌دانیم که این آمار غیر واقعی هستند، ولی به روزگار خود جالب بوده است!



صد و شش میلیون فرانک پول نقره؛  
روسیه، دارای سه میلیارد و نهصد و پنجاه و هشت میلیون فرانک پول طلا، و  
پانصد و بیست و دو میلیون فرانک پول نقره؛  
آلمان، دارای سه میلیارد و چهارصد و هشتاد و نه میلیون فرانک پول طلا، و یک  
میلیارد و چهل و دو میلیون فرانک پول نقره؛  
انگلیس یا بریتانیای کبیر، دارای دو میلیارد و چهارصد و چهل و سه میلیون  
فرانک پول طلا، و پانصد و پنجاه و نه میلیون فرانک پول نقره؛  
اطریش هنگری، دارای یک میلیارد و دویست و بیست و یک میلیون فرانک پول  
طلا، و چهارصد و هشتاد و یک میلیون فرانک پول نقره؛  
اسپانیول، دارای سیصد و هشتاد و شش میلیون فرانک پول طلا، و یک میلیارد و  
دویست و هیجده میلیون فرانک پول نقره؛  
ایتالیا، دارای چهارصد و نود میلیون فرانک پول طلا، و دویست و نوزده میلیون  
فرانک پول نقره؛  
استرالیا، ششصد و چهل و سه میلیون فرانک پول طلا، و سی میلیون فرانک  
پول نقره؛  
سیام، یک صد میلیون فرانک پول طلا، و نهصد و شصت و پنج میلیون فرانک  
پول نقره؛  
آمریکای جنوبی، سیصد و شصت و چهار میلیون فرانک پول طلا، و صد و  
بیست و یک میلیون فرانک پول نقره؛  
مکزیک، چهل و سه میلیون فرانک پول طلا، و پانصد و سی میلیون فرانک  
پول نقره؛  
عثمانی، دویست و پنجاه میلیون فرانک پول طلا، و دویست میلیون فرانک  
پول نقره؛  
ژاپن، سیصد و پنج میلیون فرانک پول طلا، و یک صد و سی میلیون فرانک  
پول نقره؛  
هلند، صد و سی و هفت میلیون فرانک پول طلا، و دویست و شصت و هفت

میلیون فرانک پول نقره.

پس، از قرار محاسبه مذکوره فوق در تمام دنیا هشتاد و هشت میلیارد تومان پول طلا و نقره موجود است.

### طوایف روی زمین

در تمام عالم، طوایف تربیت نشده و وحشی، بیست و پنج میلیون نفر هستند که به طور عریان و برهنگی به سر می‌برند.

طوایف و قبائل نیمه وحشی که ملبّس به پلاس و غیره می‌باشند، هفتاد و هفت میلیون نفر هستند.

آنهایی که ملبّس به لباس به قاعده هستند، پانصد و نود و دو میلیون نفر [هستند].

### تعداد مخلوقات تقسیم به لسان

آن که به لسان چینی تکلم می‌نمایند، سیصد و هفتاد میلیون نفرند.

آن که به لسان آلمانی تکلم می‌نمایند، هفتاد و پنج میلیون نفرند.

آن که به لسان انگلیسی تکلم می‌نمایند، یک صد و بیست و پنج میلیون نفرند.

آن که به لسان روسی تکلم می‌نمایند، یک صد میلیون نفرند.

آن که به لسان فرانسه تکلم می‌نمایند، پنجاه میلیون نفرند.

آن که به لسان اسپانیول تکلم می‌نمایند، چهل و پنج میلیون نفرند.

آن که به لسان ژاپنی تکلم می‌نمایند، چهل و چهار میلیون نفرند.

آن که به لسان ایتالیا تکلم می‌نمایند، سی و دو میلیون نفرند.

آن که به لسان ترکی تکلم می‌نمایند، بیست میلیون نفرند.

آن که به لسان پرتغالی تکلم می‌نمایند، سیزده میلیون نفرند.

آن که به لسان هندی و اقسام آن تکلم می‌نمایند، یک صد و سی و دو میلیون

نفرند.

آن که به لسان مالی تکلم می نمایند، بیست و پنج میلیون نفرند.

### تعداد دارالفنون تمام روی زمین

در ایران یک باب؛ در آلمان بیست و یک باب؛ در ایتالیا بیست و یک باب؛ در انگلیس دوازده باب؛ در اسپانیول ده باب؛ در روس ده باب؛ در رومانی سه باب؛ در سوئد و نارویج<sup>(۱)</sup> دو باب؛ در سویس چهار باب؛ در فرانسه چهارده باب؛ در هلند چهار باب.

### تعداد روزنامه جات عالم

تعداد روزنامه جات عالم، سی و شش هزار نمره؛ در اروپا بیست هزار نمره، در آسیا سه هزار نمره (از این سه هزار نمره روزنامه جات آسیا، دو هزار نمره اش در ژاپن به طبع می رسد)؛ در آفریقا دویست نمره (از این دویست نمره روزنامه جاتی که در آفریقا به طبع می رسد، سی نمره اش در مصر چاپ می شود)؛ در آمریکا دوازده هزار نمره؛ در استرالیا هفتصد نمره.

### قیافه شناسی

[سر]

سری که از طرف مغز به پیشانی نشیب دارد، ثبات رأی و خست و حسد را می نماید.

سر بزرگتر از حدّ عمومی و طبیعی و بی تناسب به تن علامت حماقت و بی شعوری [است].

سری که از حدّ طبیعی نه بزرگتر و نه کوچکتر، یعنی به قاعده و تناسب است، دارای فراست و حافظه است.

سری که کوچک و گردن آن دراز باشد، علامت خفت و نقص عقل و بدبختی است.

### [پیشانی]

پیشانی پهن، علامت عقل و فراست [است].  
پیشانی باریک و کوچک، علامت بی ادبی و کم خیالی و پر خوری است.  
پیشانی کوتاه و گود، علامت ثبات رأی و خردمندی و پرفکری است.  
پیشانی مربع و متوسط، ذکاوت و پر دلی را نشان می دهد، چون پیشانی شیر.  
پیشانی صاف و پهن، علامت خودپسندی و بغض است.  
پیشانی تورفته و گود، علامت عصمت و عفت و پاکدامنی است.  
پیشانی پست و بلند و ناهموار، علامت تزویر و خیانت و دروغگویی است.

### [ابروها]

ابروهای به هم پیوسته و مایل به سوی دماغ، علامت حسادت و انتقامجوئی [است].

ابروهای ناصاف و ناهموار که پست و بلند روئیده شده است، علامت تند خوئی و دلیری و لثامت است.

ابروهایی که پهن و موهای بلند دارد، علامت سببیت و وحشیگری و رذالت است.

ابروهایی که موی زرد دارد، علامت کینه و بغض و غضب است.

ابروی کم مو، علامت تزویر و خفت عقل است.

ابروی مشکی، علامت شجاعت و بی باکی و عشق است.

ابروی راست و صاف که موی درشت و راست دارد، علامت فراست و صداقت و فرح است.

ابرویی که به هم پیوسته و نزدیک به چشم است، علامت ثبات رأی و کنجکاوی است.

### [موی]

موی مشکی یا خرمایی و نرم، آثار فراست و ذکاوت است.

موی مشکى و انبوه که تايبده نمى شود و جعد ندارد، جهد و کوشش و درستکاری را نشان مى دهد.

موی خرمائى رنگ، علامت لطافت و نزاکت و ظرافت طبع است.

موی بلند صاف، علامت پاکی طینت و نیت و پاکی ذات است.

موی سفید، علامت ترس و بزدلی و احتجاب است.

موی مجعد و انبوه، علامت نخوت و تکبر و تهور است.

موی مشکى صاف و درخشان که هم رنگ ابرو نباشد، يعنى با رنگ ابرو مختلف باشد، اثر شرارت و جسارت است.

### آثار دماغ

دماغى که سرش به روی لب بالا خم شده باشد، علامت بی همتى و بی غیرتى است.

دماغى که فرو رفتگى دارد، علامت بدخلقى و خودخواهى و نخوت است.

لوله دماغى که کوچک است، علامت بزدلی و رعب است.

دماغ دراز، علامت نجابت است.

دماغ راست و صاف، علامت تمکین و وقار است.

دماغى که نوک آن چون منقار طوطى است، علامت تهور و بی پروایى است.

دماغ پهن، شهوت و جسارت را نشان مى دهد.

دماغ فرو رفته، علامت رحم و شفقت است.

دماغى که بیخ آن فرو رفتگى دارد، بدنفسى و بی رحمى و بدخلقى است.

دماغى که تمام آن برجسته و برآمده است، فرح و انبساط طبع را مى نماید.

### چشم

چشم آبی، علامت ضعف قلب است.

چشمى که حرکت او مایل به فوق است، جان فشانی و ترک علایق را مى نماید.

چشم مشکى، علامت شجاعت و پر دلی است.

چشم هایی که حلقه های آن فراخ است، علامت بی شرمى و فضولى است.

چشم خرمایی رنگ، اثر ثبات رأی و همّت است.  
چشم زاغ و خاکستری رنگ، علامت تزویر و جبن است.  
چشم‌هایی که درخشان و دونده [است]، علامت جسارت و بی‌شرمی است.  
چشمی که اغلب اوقات به یک سو دوخته است، علامت خودپسندی و خودبینی و عجب است.  
چشم‌هایی که متصل به اطراف می‌دوند، علامت نمک‌شناسی و دزدی و بی‌اعتمادی و بی‌اعتباری است.  
چشم‌هایی که اغلب پایین افتاده‌اند، علامت تفکر و تزویر و پرحیایی است.  
چشم کوچک، علامت حيله و تزویر و خدعه و لثامت است.

#### دهان

دهان بزرگ و گشاد، علامت خفت عقل است.  
دهان باز، علامت سفلگی و رذالت و فساد است.  
دهان نازک و کوچک که پیشانی و بینی آن نیز کوچک باشد، علامت خوف و بزدلی و کم‌عقلی است.  
دهان بسته اثر پر حوصلگی است.

#### [لب‌ها]

لب کلفت علامت ضعف عقل و درّاکه، [و] عبدالبطن است.  
لب‌های نازک که لب بالائی پهن است و دهان نیز بزرگ باشد، سخاوت و شجاعت را می‌نماید.  
لب‌های آویخته به طوری که لثه‌ها دیده شود، علامت نزاع جزئی و خودپرستی است.

#### صورت

صورت باریک و لاغر، علامت شوق و شجاعت است.  
صورت کوچک، علامت دنائت طبع و رذالت خوی است.

صورت بزرگ، علامت کندی و تنبلی و خاموشی است.  
صورت چاق و پر، علامت تن‌پروری و شهوت‌پرستی است.  
صورت زیاد‌گرد، علامت بی‌علمی و بی‌سوادی است.  
صورتی که از زنج‌گردتر است، علامت دزدی و رشوه‌خواری است.

### چانه

چانه باریک، علامت تیزهوشی و تزویر است.  
چانه مسطح، علامت تفکرات بی‌جا و خیالات بی‌پاست.  
چانه چاق که غبغب دارد، علامت تن‌پروری و پر‌خوری و لطافت طبع است.

چانه کوچک و کوتاه، علامت سستی است.  
چانه مدور که دارای چاه زرخندان است، علامت خوش‌خلقی و نیک‌طبعی است.

چانه‌ای که دو طرف دارد، علامت هوش و ذکاوت و پرفکری است.

### گوش

گوش بزرگ، علامت بی‌ادبی و حماقت و خست است.  
گوش کوچک، علامت حيله و تدبیر است.  
گوش کلفت، علامت ساده‌لوحی است.  
گوش نازک، لطیف و شفاف، علامت علوّ طبع و درایت است.

### گردن

گردنی که استخوانهایش بزرگ و سترگ و اعصابش قوی باشد، علامت قوت و قدرت و توانایی و زور است.

گردن چاق و کلفت، علامت تندخویی و غضب است.  
گردن باریک و دراز، اثر‌بزدلی و بد‌خیالی و پست‌فطرتی است.  
گردن کوتاه، علامت گستاخ‌بودن و جرأت است.

### شانه

شانه پهن، علامت رشادت و شجاعت است.  
شانه کوتاه، علامت حرص و لثامت و چشم‌تنگی است.

### [سینه و شکم]

کسانی که سینه‌شان تا روی شکم موی زیاد دارد، علامت بی‌ثباتی در اعمال و بی‌رحمی و بی‌دینی است.

کسی که فقط سینه‌اش مو دارد، پر دل و دلیر است.  
پستان آویخته، علامت پرقوتی و رشادت است.  
شکم بزرگ، علامت افاده و تفرعن است.

### [دست]

بازویی که از بلندی تا به زانو رسد، علامت فراست زیاد و پرقوتی و ریاست‌طلبی است.

دست کوتاه، علامت پست‌فطرتی و بدنفسی است.  
پرمویی دست، اثر شهوت زیادی است.

کسی که در حرف زدن دستش را زیاد حرکت می‌دهد، علامت پرحرفی است.  
کسی که در حرف زدن زیاد دستش [را] حرکت نمی‌دهد با عقل و وقار است.

### [پنجه‌ها و انگشتان]

پنجه‌های کوتاه و کوچک، علامت درستی است.  
کسی که پنجه‌اش بلند و باریک و قشنگ است، خوش‌خلق و خداترس و صاحب علو طبع و طول عمر است.  
کسی که دستش فربه و انگشتانش از اندازه کوتاه‌تر است، دزد و متقلب و شرور است.

انگشت کوتاه و باریک، علامت کم‌عقلی است.  
انگشت کلفت و کوتاه، علامت بدنفسی و بدچشمی است.



## [ناخن]

ناخن نرم و نازک و لطیف که رنگ آن گلی و شفاف است، علامت هوش و خرد و تدبیر است.

ناخن زیاد کوتاه، علامت بدنفسی و بدخیالی است.

## صدا

صدای کلفت و بلند، علامت قوت و رشادت است.

صدای نازک و آهسته، علامت غمگینی و ترس و شک است.

صدایی که زیاد بلند یا آهسته نباشد، یعنی متوسط باشد، علامت عقل و

صداقت و صبر است.

صدایی که شبیه به صوت گوسفند و بز است، علامت بی شعوری است.

کسی که ندرتاً بخندد، زکی و فهیم و خردمند و باوقار است.

کسی که زیاد می خندد، کم عقل و کم خیال و سبک است.

تبصره: علامات مذکور فوق را که به تفصیل نوشته شده، هرگاه در شخصی مشاهده گردید، نباید حتماً تصور نمود که مشا‌ئ‌الیه یقیناً دارای فلان صفات است؛ بلکه این علایم مذکوره را ممکن است شخصی دارا بوده و بعد آن را ترک نموده، ولی هنوز اثر آن در قیافه اش نمایان است، یا آنکه به واسطه مرضی، نقص یا تغییری در هیكل او عارض شده است. هرگاه شخص در شناختن حرکات و قیافه چشم حاذق و عالم باشد، بعد از مقابله علایم دیگر، با چشم می تواند حکم عادات و صفات را بنماید. والله اعلم.

اوقات مختلفه و افعالی که انسان عمر خود را به آنها صرف می نماید، هرگاه هفتاد

سال عمر نماید، از قرار ذیل اند:

بیست و چهار سال در خواب؛ سه سال مشغول تعلیم؛ هفت سال مشغول

تفریح و عیش بازی؛ سه سال در استحمام و پاکیزه گری و شستن دست و روی؛

شش سال مشغول اکل و شرب؛ پنج سال به راه رفتن و قدم زدن؛ سه سال به تکلم

و صحبت؛ یک سال به خدمات نظامی؛ یازده سال به شغل و کسب و نویسندگی؛ شش سال به قرائت کتاب، روزنامه و نوشته‌جات. پس معلوم گردید که هرگاه انسان هفتاد سال عمر نماید، یازده سالش عمر صحیح نموده؛ یعنی آنچه مشغول کار با فایده از برای خود و دیگران بوده است، [فقط] یازده سال است.

### مدت حمل حیوانات علف‌خوار یا نشخوارکن به موجب ذیل است:

فیل، بیست و چهار ماه؛ کرگدن، هیجده ماه؛ زرافه، چهارده ماه؛ اسب و شتر، از یازده الی سیزده ماه؛ گاو میش، دوازده ماه؛ الاغ دوازده ماه؛ گاو و گوزن و شکار و آهو، نه ماه؛ بوزینه، هشت ماه؛ گوسفند و بز، پنج ماه؛ خوک، چهار ماه؛ انواع موش‌ها، بیست و هشت روز.

### مدت حمل حیوانات سبع یا گوشت‌خوار از قرار ذیل است:

خرس، شش ماه؛ شیر، یک‌صد و هشت روز؛ روباه و گرگ و سگ، از شصت و دو الی شصت و سه روز؛ گربه، از پنجاه و پنج روز الی پنجاه و شش روز؛ ماهی کیت یا نهنگ، ده ماه.

### مدت نشستن انواع طیور روی تخم از قرار ذیل است:

مرغ، بیست و یک روز؛ اردک، سی روز؛ بوقلمون، بیست و هشت روز؛ سهره، چهارده روز؛ کبوتر، دوازده روز؛ طوطی، چهل روز.

### [تعداد تخم‌هایی که انواع جانوران در هر بار می‌گذارند، از قرار ذیل است:]

عنکبوت و زالو، در هر دفعه یک‌صد و هفت عدد؛ مگس، در هر دفعه یک‌صد و چهل و دو عدد؛ قورباغه، در هر دفعه هزار عدد؛ انواع مختلف ماهی، در هر دفعه از سه هزار الی شش هزار عدد؛ پشه، زیاده از یک میلیون در هر دفعه.

از قراری که شخص محاسبی حساب نموده، در تمام عالم آنچه حیوانات و دواب اهلی هست، از این قرار است:

قاطر و الاغ، نه میلیون رأس؛ بز، سی و دو میلیون رأس؛ اسب، شصت و هفت میلیون رأس؛ خوک، یک صد و چهار میلیون رأس؛ گاو نر و ماده، سیصد و دوازده میلیون رأس؛ گوسفند، پانصد و یازده میلیون رأس؛ عدد دواب اهلی، یک بیلیون و سی و پنج میلیون رأس.

انواع طیور، از قرار کاتولوگ موزه لندن، انواع طیور، یازده هزار و ششصد نوع است.

### کاغذ

کاغذی که در تمام سال در دنیا صرف می شود، چهل و پنج میلیون پوط؛ عدّه کارخانه جاتی که کاغذ می سازند، سه هزار و نهصد باب؛ عدّه عمله جات اناث که در کارخانه کاغذ سازی مشغول اند، یک صد و هشتاد هزار نفر؛ و آنچه مشغول جمع آوری کهنه و غیره برای کارخانه هستند، صد هزار نفر.

### فروش القاب

دولت ایتالیا، محض از دیاد و جوهات بیت المال یا خزانه دولتی، برای لقب، نرخ و قیمتی معین نموده است [که] معدودی از آنها ثبت شده: لقب اشرف، ده هزار تومان؛ لقب هر تسک، هفت هزار و پانصد تومان؛ لقب مارکیس یا والی، شش هزار تومان؛ لقب کراف، پنج هزار تومان؛ لقب بارون، سه هزار تومان، لقب جنابی، یک هزار و سیصد تومان. هر کس بخواهد که لقب او در خانواده او بماند، باید صدی چهل، بیش از قیمت بدهد.

### اعظم خانه های عالم

۱. به تازگی سلطان عبدالحمید خان، در مکه، خانه ای بنا نهاده است که تقریباً شش هزار نفر می توانند در آن منزل نمایند. او این خانه را برای زوّار و حجّاج بنا کرده [است].

۲. [خانه‌ای که] در نزدیکی وین است، که هزار و پانصد اطاق دارد، و سیزده دالان و غلام گذر دارد، و هزار و یکصد و دوازده نفر می‌توانند [در آن]، سکنی نمایند.

۳. در شهر نیویورک، در خیابان پارک رو خانه‌ای است، [که] بیست و چهار مرتبه دارد، و نهصد و پنجاه اطاق دارد، و هزار و ششصد و نود و پنج عدد پنجره دارد. ارتفاع این خانه، هفتاد و دو ساژن روسی است. قیمت آن تخمیناً بیست و چهار میلیون دلار است.

### بزرگ‌ترین توپ عالم

تویی است در آمریکا که وزن آن هفت هزار و دویست پوپ است؛ یعنی سیصد و شصت خروار وزن دارد، و طول آن هفت ساژن روسی است، و وزن گلوله آن سه خروار است، و گلوله‌اش تا بیست و پنج درست روس، راه می‌رود.

### گرانبهاترین دستمال عالم

مارگاریتا، ملکه ایتالیا را دستمالی است، که پنجاه و پنج هزار منات قیمت دارد، و سه نفر از ماهرترین استادان عالم، بیست سال در بافتن دستمال مذکور زحمت کشیده‌اند، و به قدری سبک وزن است، که وزن آن با دست احساس نمی‌شود، و آن قدر کوچک است، که در قوطی طلائی به بزرگی دانه باقلایی، آن را محفوظ می‌دارند.

### صنعت عجیب

در کستروما ساعت سازی یهودی، ساعتی ساخته است که ساعت، نیم ساعت، ربع دقیقه و ثانیه شمار دارد. در صفحه [این] ساعت، شکل کره شمس است، که ستاره‌هایی چند به دور آن حرکت می‌نمایند. دریا و بندرگاه دارد که در هر ساعت کشتی بخار وارد بندرگاه می‌شود. در صفحه ساعت ماشین راه‌آهن متحرک است و وارد استاسیون<sup>(۱)</sup> می‌شود، پلیس به صاحب‌منصب سلام می‌دهد، در

۱. استاسیون، واژه فرانسوی است که به معنای ایستگاه و محل توقف است و ایرانیان در قدیم

استاسیون جمعیت و ازدحام می شود، و ترن راه می افتد و اهل استاسیون با مسافری ترن وداع می کنند، سوت ترن شنیده می شود و مستحفظین ترن، زنگ می زنند. و هم، در صفحه این ساعت سلاطین با همدیگر ملاقات می نمایند، موزیک سلام زده می شود، و تمام سلاطین دول معظمه عالم، در صفحه این ساعت نمودار می شوند.

تمول شخص پاپ یا نایب مناب حضرت عیسی که در واتیکان روم منزل دارد و رئیس طایفه کاتولیک هاست؛ عدد اشیایی که به حضرت پاپ هدیه فرستاده اند، از این قرار است:

بیست و هشت قطعه، تاج مرصع و جواهر؛ سیصد و نوزده قطعه، خاج الماس؛ هزار و دویست عدد، پیاله و فنجان و گیلان نقره؛ طلا، هشتاد حلقه انگشتر که یکی از آنها را - اعلی حضرت سلطان عثمانی - هدیه فرستاده که شصت و پنج هزار تومان قیمت دارد، یک قطعه، الماس بزرگ خوبی است که کروکره - رئیس جمهوری ترانسوال -<sup>(۱)</sup> هدیه نموده است که دو کرور تومان قیمت دارد؛ هفتاد و شش پارچه، اسباب های طلا و نقره و جواهر نشان؛ هفتصد و هشتاد و چهار عدد، اسباب و اشیاء طلا و نقره؛ هزار پارچه، اسباب های قیمتی از قبیل نقاشی و غیره. تخمیناً قیمت دارایی شخص پاپ، معادل است به هفت کرور تومان.

### دخانیات، توتون و غیره

اگر چه استعمال دخانیات، مخصوصاً سیگار و توتون، بعد از انکشاف آمریکا شیوع یافته، ولی قبل از کشف آمریکا هم چپق معمول بود؛ اما در عوض توتون، اشیای دیگری استعمال می کردند. مقدار توتون و تنباکویی که در سال در تمام دنیا صرف می شود، با قیمت آن، از این قرار است:

سالی سی و هفت میلیون پوط که قیمت آن زیاده از نود و پنج میلیون تومان است؛ عده اشخاص انفیه کش هر ساله تنزل می کند، و آنهایی که انفیه استعمال

می نمایند، فقط مردمان پیر هستند؛ ولی تقریباً تمام عالم، استعمال سیگار و توتون و تنباکو و غیره می نمایند، و ندرت است که کسی استعمال این سم قاتل را ننماید.

### مشروبات مسکره

از قرائن و تواریخ چنین مستفاد می شود که استعمال شراب، از زمان حضرت نوح - علیه السلام - باقی مانده است، و تقریباً سه هزار سال قبل از میلاد مسیح، در چین از خرما الکل می کشیدند. در زمانی که اطبای عرب، کشیدن الکل را آموختند، فاضل ترین و ماهرترین اطبای عصر خود بودند، و الکل را دوا استعمال می کردند. در قرن هفتم مسیحی، الکل را برای رفع طاعون و وبا و رفع ضعف پیری استعمال نموده، آن را تالی معجزه دانسته، و آب حیات ادوین نامیدند، و از آن زمان کشیدن الکل از کشمش شیوع یافت.

### محاسبه

شخصی انگلیسی حساب کرده است که در مدت یک سال، یازده میلیون کلمه حرف زده است، از برای تهنیت و سلام؛ دوازده هزار دفعه دست داده است؛ نود و پنج میلیون دفعه در سال، چشمش را به هم زده، یعنی باز کرده و بسته است؛ ده هزار گیلان آب نوشیده است، یک هزار و یک صد و بیست و شش دفعه صورت و دستش را شسته است و هزار و چهارصد و هشتاد و پنج دفعه، کفش را پا کرده و بیرون آورده است.

### شهرهای مملکت روس

در روسیه اروپا، ششصد و چهار شهر؛ در پلاند، یک صد و چهارده شهر؛ در قفقازیه، چهل و چهار شهر؛ در سیبری، چهل و نه شهر؛ در آسیا، پنجاه و چهار شهر. جمع تمام شهرهای روس، هشتصد و شصت و پنج شهر است.

### پیدا کردن داماد در ژاپن

در این اوقات در ژاپن رسم و رواج گرفته است که اغلب دخترها که شوهر می خواهند، اعلان می نمایند. یکی از اعلان هایی که دختری به توسط روزنامه

منتشر نموده است، ثبت افتاد. صاحب اعلان: دختری هستم مقبول، ملیح، صورتم طعنه بر گل سرخ می زند. گیسوانم شبرنگ و عنبرین است. مژگانم چون تیر و ابروهایم چون کمان، بدنم مانند برگ گل و قدم چون سرو آزاد، به یک حرکت از قشون مژگانم صفها بر هم زنم. آن قدر دارا هستم که می توانم در مادام العمر [با] شوهری که بپسندم، روزها به تفریح باغ و تماشای جمعیت و صنعت و شبها، به روشنایی ماه و مهتاب، به عیش و عشرت بگذرانم. هرگاه شخص معقولی و مقبولی باشد، بعد از اجلاس و رؤیت، مایلیم که تمام عمر خود را با او به سر برم.

### خوراک اهالی چین

در شهر کانتون [کانتون] که یکی از شهرهای چین است، در دکانهای قصابی، گوشت سگ و گربه و موش را مثل گوسفند می فروشند، و نیز در شهر مذکور، از گوشت موش، انواع خوراکهای لذیذ خوب تهیه می نمایند. در حوالی پکن - پایتخت چین - گوشت شتر و الاغ، بسیار معمول است. در شهر آملو، شیر زن را مثل شیر گاو خرید و فروش می نمایند، و اغلب مشتریها مردان پیر و زنان مسن هستند. اهالی چین شیر نمی خورند، و می گویند که پنیر شیر متعفن شده، منجمد است. و نیز آب نجوشانیده [را] نمی آشامند، و غالباً آب باقلا می نوشند.

### انتخاب زوجه برای امپراتور چین

در روز معینی، چند هزار نفر دختر که تماماً اولاد صاحب منصبان مانچوریا و به سن شانزده ساله [هستند]، در پایتخت دولت چین حاضر می شوند. مادر امپراتور سی نفر از میان آنها پسندیده و منتخب می نمایند. چون به حضور امپراتور بردند، خود و امپراتور از میان سی نفر، یک نفر را انتخاب نموده، مابقی را انعام داده، مرخص می نمایند.

### قران عمر ژاپنیها

به اعتقاد اهل ژاپن، سن بیست و پنج سالگی و بیست و چهار سالگی انسان، قران دارد؛ چون به این سنها رسند، منتظر وقوع مصائب و خطرات سخت و یا

نزول یک خوشبختی و خوشحالی عظیم می‌باشند. لهذا، اغنیا انواع صدقات و خیرات را می‌نمایند، و فقرا روزه می‌گیرند.

### کلب معلم یا خادم المساکین

در شهر نیویورک سگی است موسوم به ژیب. هر روز در معابر پرجمعیت دیده می‌شود که جعبه بر پشت دارد و بر آن نوشته شده است که به مریض‌خانه، اطفال، فقرا و مساکین، ترخم و اعانت نماید. با کمال ملایمت و چاپلوسی بر مردم جلوگیری می‌نماید و هر کس به قدر مقدور، وجهی در جعبه می‌اندازد، تا اینکه جعبه از پول مملو و پر شود. [آن‌گاه] سگ به بانکی مخصوص رفته، تحویلدار، پول را برداشته، قبض رسید به او می‌دهد، و قبض رسید را دریافت نموده، باز مشغول تکدی و جمع آوری وجه اعانه می‌شود، تا موقعی که خیابان‌ها و معابر خلوت شود، مراجعت به مریض‌خانه نموده، در ازای این خدمت، خوراک لذیذ معمولی خود را دریافت می‌نماید.

در جشن سال هفتم از خدمت این سگ، حساب نموده‌اند که در مدت این هفت سال، بیست و هفت هزار تومان پول جمع کرده است.

### قبرستان سگ‌ها

در لندن، باغ کوچکی است که سگ‌های معروف و متمولین را در آنجا به خاک می‌سپارند، و مجسمه‌های آنها را در بالای قبرستان گذاشته و تاریخ اعمال و عمر آن سگ‌ها را نیز حجاری نموده، بالای سر آنها می‌گذارند. تا کنون به قدری سگ در آنجا دفن کرده‌اند که اکنون برای دفن یک سگ، مبلغ گزافی پول می‌گیرند.

### اخبارات طبّی

قدیمی‌ترین نسخه طبّی در عالم، پنج هزار و نهصد و سه سال قبل، برای مادر فرعون دوازدهم - ملکه هات - نوشته شده است و اکنون در موزه لندن موجود است. ادویه‌جات این نسخه عبارت است از شکل یک پنجه سگ، یک خرما و یک سم گراز، که این‌ها را می‌بایستی در روغن جوشانیده، برای رفع ریختن موی سر، به



سر بمالند. این بهترین دوی آن زمان بوده است برای حفظ موی سر.

### چشم کچل‌ها روشن

چندی قبل به انجمن طبّی اسلامبول اعلان شده است که موی را مثل نهال می‌توان غرس نمود؛ یعنی بعد از غرس نمودن، مثل نباتات و اشجار، ریشه می‌دواند.

### خواب به اندازه = حفظ صحّت

به تجارب اطّباءى حاذق معلوم شده است که به اندازه ذیل، خواب لازم است، و کم و زیادش، خلاف حفظ صحّت است: برای طفل دو ساله، هیجده ساعت خواب لازم است؛ از سه سالگی تا شش سالگی، چهارده ساعت؛ از شش سالگی، تا هشت سالگی دوازده ساعت؛ از هشت ساله تا بالغ، یعنی سنّ شباب، ده ساعت؛ برای اشخاص متوسط السنّ، هفت ساعت خواب لازم است. هر قدر قوّه متخیّله انسان زیادتر است، خواب کمتر لازم می‌شود. سبک عقلاّن و وحشیان و احمقان زیاد می‌خوابند، و در وقت و هر کجا که بخواهند، می‌توانند بخوابند.

### سبب بی‌خوابی و کم‌خوابی

دکتر کامند می‌گوید که بی‌خوابی، سبب زیادتی خون در سر، یا انقلاب حواس، یا کثرت خیال و کار پیدا می‌شود.

برای رفع بی‌خوابی، شیر و غذاهای معمولی، مقوی، و هوایی تازه، اطّاق خواب، و جمعی حواس و خیال، [و] استراحت قلب، نافع است. پروفیسور معروف پیکر می‌گوید و ثابت می‌نماید که موی شتر، در اعصاب نهایت اثر را دارد؛ هرگاه کسی گرفتار بی‌خوابی شود، متکّاً یا بالشی از پشم شتر تهیه نموده، بر آن بخوابد، به آسانی خوابش خواهد برد.

### معالجه زکام

ریشه هویج را باید خوب سحق<sup>(۱)</sup> نموده، و آب آن را با پارچه [ای] صاف

۱. سخت کوبیدن و ریز کردن و ساییدن.

نموده، و به دماغ کشید. بعد از تکرار چند دفعه، بی شک رفع زکام خواهد شد.

**وزن متوسط نرم سر انسان یا نخاع از این قرارند:**

مرد هزار و سیصد و نود گرم؛ زن هزار و سیصد و پنجاه گرم.

**وزن قلب انسان به طور متوسط از این قرارند:**

مرد سیصد گرم؛ زن دویست و پنجاه گرم.

**کورها می بینند و کرها می شنوند**

انجمن مخصوص طبّی پاریس، اعمال تالی معجزه می کند؛ یعنی کران را سامعه، و کوران را باصره عطا می نماید. تا کنون سیصد نفر کور و کر را به معرض امتحان درآورده اند؛ یعنی کوران دیده و کرها شنید [ه] اند. واضح تر این که، این اعمال را به توسط الکتریسیته و سینوموتوگراف<sup>(۱)</sup> می نمایند.

**رفع میل مسکرات**

یکی از اطّباء آلمان امتحان نموده که آن کسانی که مسکرات زیاد استعمال می نمایند، و معتاد به مسکرات هستند، هرگاه سیب مفرطی بخورند، میل به مسکرات کم خواهد شد؛ بلکه از کثرت اکل سیب، عدم میل به مشروبات ظاهر خواهد گردید.

**گزیدن زنبور**

یکی از اطّباء امتحان نموده که مالیدن آب سیر و پیاز به جایی که زنبور گزیده باشد، فوراً وجع و ورم را زایل می نماید.

**بلعیدن اشیاء صالبه**

هرگاه کسی تکه فلز، یا سنگی را بلعیده باشد، برای سهولت دفع آن باید مقدار مفرطی سیب زمینی خام بخورد؛ چنانچه بعضی از دزدان در دزدیدن اشیاء قیمتی،

---

۱. سینوموتوگراف، ملخص سینما و از صنایع قرن بیستم است.

همین حيله را به کار می‌برند.

### تعداد موی سر

دکتر ویلسون - طبیب انگلیسی - حساب نموده است که در یک دویم مربع از پوست سر، هزار و هشتاد و سه مو می‌روید. پس، اگر تمام پوست سر، صد و بیست دویم مربع باشد، صد و سی هزار مو در تمام سر خواهد بود.

### ایام مزاجت و نکاح

بعضی از منجمین فرنگ، این ایام را برای نکاح میمون و با شگون دانند:

در ماه ژانویه: ۱، ۴، ۱۰، ۱۹، ۳۱؛

در ماه فوریه: ۱، ۳، ۱۰، ۲۱؛

در ماه مارس: ۳، ۵، ۱۲، ۲۰، ۲۳؛

در ماه آوریل: ۲، ۴، ۱۲، ۲۰، ۲۳؛

در ماه مه: ۲، ۴، ۱۲، ۲۳، ۲۰؛

در ماه ژوئن: ۱، ۳، ۱۲، ۱۶، ۲۱؛

در ماه ژوئیه: ۱، ۱۵، ۱۶، ۲۸، ۳۱؛

در ماه اوت: ۲، ۱۱، ۱۸، ۲۰، ۳۰؛

در ماه سپتامبر: ۱، ۴، ۱۹، ۲۵، ۲۸؛

در ماه اکتبر: ۱، ۸، ۱۳، ۱۷، ۲۹؛

در ماه نوامبر: ۵، ۱۱، ۱۳، ۲۲، ۲۵؛

در ماه دسامبر: ۱، ۸، ۱۹، ۲۳، ۲۹.

### در فن باغبانی

#### در شیرین کردن بادامِ درختِ بادام تلخ

به قدر یک وجب بلندتر از سطح زمین، با مته، تنه درخت را باید سوراخ نمود، به طوری که مستقیماً مغز درخت، سوراخ شود. ماده یا مایه تلخی که در درخت

است، از آن سوراخ دفع و میوه آن درخت شیرین می شود.

### ریختن میوه از درختان

باید خاکستر درخت بلوط را در آب ریخت و با آن آب درخت را مشروب ساخت. آب دریا نیز مفید است، و یا اینکه به قدر پانزده عدد از میوه آن درخت با قدری شاخه از سر درخت برید، تانریزد.

### تازه کردن دسته گل پژمرده

باید به قدر یک گره، ساقه گل را در آب جوش گذاشت. گل ها کم کم تازه می شود. بعد آن مقداری که در آب جوشیده است، باید برید و ته ساقه را در آب سرد گذاشت. از این عمل، طراوت و لطافت اولی گل، عود خواهد نمود.

### رفع شته خیار

به قدر پنج سیر فضله مرغ را در یک من آب ریخته، بعد از بیست و چهار ساعت، در وقت عصر، با آب پاش به بوته ها پاشید، رفع شته خواهد گردید.

### تمام کردن هسته میوه

انگور و زردآلو و هلو و غیره را هرگاه بخواهند میوه اش بی هسته باشد، نهالی را که تازه غرس کرده اند، از میان طول بریده مغز آن را بیرون آورده، بعد آن را وصل نموده، ببندند. هرگاه سبز شود، میوه آن هسته نخواهد داشت.

### نور باریدن از خوشه انگور

در وقتی که درخت تاک شکوفه می نماید، هرگاه شیشه از روغن زیتون پر نموده و خوشه از آن انگور که در شکوفه است، در آن شیشه فرو برده و شیشه را به درخت ببندند تا هنگام رسیدن انگور، آن روغن را در چراغی کرده بسوزانند، محفل و مجلس پر از خوشه انگور نور [انی] خواهد گردید!

### تعبیرنامه خواب

[آب]: آب دیدن در خواب، نیک و جاری بودن طول عمر است؛ نوشیدن آب

صاف، نیک است و نوشیدن آب ناصاف، غمگینی است؛ در خانه خود آب دیدن، بد است؛ از رودخانه آب برداشتن، بد و از چشمه برداشتن، نیک است.

آسمان: صعود بر آسمان، ازدیاد عزت و احترام است.

آسیاب: ساختن آسیاب، رفعت و عظمت را می‌نماید؛ خراب کردن آسیاب، بنیاد نهادن است؛ دیدن سنگ آسیاب، ناخوشی و محنت است؛ دیدن آسیاب دستی، زحمت و پستی است.

ابریشم: دیدن ابریشم در خواب، نیک است.

آفتاب: دیدن آفتاب، بسیار نیک و در دست داشتن آن آثار بزرگی و رتبه شأن است؛ و تار دیدن آفتاب در خواب، بد است.

انگشتر: تسلط و بزرگی است، و دیدن انگشتر شکسته، زیان است.

آهو: دیدن [در خواب]، بخت و اقبال و عروسی است.

اسب: دیدن اسب سفید یا سیاه، رسیدن به مراد است و سوار شدن بر اسب، بسیار نیک و دوانیدن [آن] ترقی و ظفر است.

استخوان: دیدن در خواب، دلتنگی و غم خوردن و [دیدن] استخوان انسان، افتادن به زندان است.

اردک: دیدن در خواب، ملاقات شخصی بزرگ است.

آتش: در خواب، ترسیدن را می‌نماید؛ آتش انداختن به جایی، مرگ و قحطی است؛ خوردن آتش دخل است، و سوختن با آتش، زیان و گرفتاری یا پوشیدن خلعت است.

ارزن: دیدن در خواب، نیک، و خوردن آن نعمت و دخل است.

آرد: منفعت و شفاست.

انگور: دیدن، نفع و نیک، و خوردن آن، شفا و عیش و دولت است.

انجیر: نیک، و خوردن آن عروسی کردن و ناخوش شدن است، و خوردن انجیر سبز زیان است.

الاغ: دیدن آن خوشبختی، و سوار شدن بر آن نیک.

آهن: در خواب دیدن یا خریدن، محنت و رنج است و ذلت.

- آهنگر: دیدن در خواب، نیک است.
- اسیر: دیدن در خواب دلتنگی است، و هرگاه کسی در خواب ببیند که اسیر است، منفعت زیاد به او خواهد رسید.
- افتادن از بلندی: ضرر است.
- امانت: قبول کردن و نگاه داشتن، نیک است و هر که در خواب ببیند که امانت داری می‌کند، تأهل اختیار نماید.
- آجر: دیدن در خواب نیک است.
- اطاق: دیدن یا ساختن اطاق، جدایی از عیال است.
- انگبین: دیدن در خواب که می‌خورد، نیک است و بر دشمن ظفر یافتن است.
- باغ: دیدن یا داخل در آن [شدن]، یا ساختن آن، نیک است.
- برّه: در خواب دیدن نیک است، و کشتن، بسیار بد، و هرگاه کسی گلّه برّه در خواب ببیند، سفر نماید.
- برهنگی: هرگاه کسی خواب ببیند که پابرهنه است، آثار دلتنگی، و هرگاه سر برهنه است، از غم خلاصی یابد، و هرگاه کسی خود را برهنه ببیند، منفعت و دخلی عظیم نماید.
- برق: کج خلقی و آشوب و تفرقه حواس و اثر تشنگی است.
- باران: باریدن یا خوردن آب باران در خواب، اثر سرما و تشنگی و منفعت است.
- پارو: دیدن در خواب، بخت و اقبال است.
- پدر: دیدن پدر زنده در خواب، اوقات تلخی و منفعت و سفر است، و در خواب دیدن پدری که فوت شده است، برطرف شدن غم و شفا یافتن از مرض است.
- [تعبیر خواب:] خواب دیدن [اینکه] در خواب تعبیر می‌نماید، نیکو است.
- جوی: دیدن در خواب، دارایی و عزت است.
- جغد: اثر غم و تفرقه خانواده و رنج است.
- جو: در خواب دیدن، علامت بخت و رسیدن به ارث است.
- چشم: در خواب دیدن، دولت است، و چشم بزرگ، طول عمر، و در آوردن چشم، مرگ رفیق، زن یا اولاد است.

- چشمه: دیدن، منفعت، و آمدن و رسیدن مسافر است.
- چراغ روشن: آشکارا شدن کار طرفی در شغل و سور و عروسی است.
- خاک: برداشتن خاک رنج و الم است.
- خرس: تعاقب کردن خرس، نیک است و هرگاه خرس، شخصی را تعاقب کند، بد است.
- خرگوش: را هرکه در خواب ببیند، خداوند به او پسری عنایت کند.
- خون: گاهی بد، و گاهی بی تعبیر است.
- خوک: مرگ دشمن، و کشتن آن، مردن یکی از خویشان است.
- خنده: غمگینی است.
- خمیر: دیدن و خوردن، نیک بود.
- دزد: دیدن در خواب، باید از دعوا و جنگ احتراز نمود.
- دنبه: دیدن یا خوردن آن، ناخوشی عارض شود.
- دندان: دیدن، نیک و ریختن آن‌ها و افتادن، مرگ است و جلوس، مرگ اولاد را نشان می‌دهد.
- دختر: خوشحالی و سرور است.
- دریا: عزت و آزادی است.
- دست: شستن خیر است، و چراغ در دست داشتن، اولاد است.
- دستنبو: درد و رنج و گرفتاری است.
- روباه: دیدن در خواب، دشمن است؛ باید حذر نمود.
- ساز: دیدن شخصی بزرگ است.
- ستاره: دیدن ستاره در خواب، بخت و نعمت و سفر و خوشحالی است.
- سلام کردن: دعواست.
- سر بریده: ضرر و خوف است.
- سیب: محبت از کسی دیدن و برخوردار شدن است.
- شیر: دیدن شیر ملاقات یا تسلط یافتن بر کسی است.
- شراب: منفعت است.

عقاب: اگر کسی را در خواب بگیرد، دولتی عظیم یابد.  
قلمدان: منفعت یابد یا زن بگیرد.  
کتاب: دیدن، یا داشتن، یا خواندن کتاب، عیش است.  
کلاغ: از دشمنی، صدمه خواهد خورد.  
کبوتر: دیدن یا گرفتن آن، بخت و اقبال و دولت است.  
گاو: محبت دیدن از مردم و اقوام است.  
گل: تأهل اختیار کردن و شفا یافتن است.  
مار: دیدن یا گرفتن مار، به دست آوردن دولت و مال [است و] هرگاه مار بگیرد، ناخوش شود، یا ضرر بیند، یا از داشتن صدمه خورد.  
ماه: دیدن ماه، به صدر نشستن و بزرگ شدن است.  
ناخوشی: و ناخوش شدن، رنج و الم دیدن است.  
تبصره: اغلب خواب‌هایی که در طرف صبح، واضح و روشن و مدامی دیده می‌شوند، یعنی قطعه - قطعه نیستند، مخصوصاً در وقتی که هوا صاف و خالی از انقلاب است، تعبیر دارند؛ ولی اغلب مردم موافق خیالات و مشغله‌ای که دارند، خواب می‌بینند و گاهی به سبب سوءهاضمه و به پهلوی چپ خوابیدن، و بعضی امراض دیگر، خواب‌های مخوف و هولناک می‌بینند. باید دانست که این گونه خواب‌ها رؤیای صادقانه نیستند. اغلب خواب‌هایی که یک ساعت به صبح مانده دیده می‌شوند، مدت تعبیرشان از یک روز تا یک ماه الی یک سال است. و خواب‌های روز در صورتی که وجود، خالی از نگاهت و خیالات متفرقه و سوءهاضمه باشد، غالباً در همان روز تعبیر می‌نماید. و  
الله اعلم.

### نفوس و طوایف ایران

نفوس ایران تقریباً بیست و پنج کرور است؛ هیچ‌ده کرور، فرس خالص ایرانی‌نژاد، و هفت کرور ترک و عرب و کرد و آرامنه و یهود می‌باشند.



تقسیمات ایران<sup>(۱)</sup>

ایالات	مراکز
مازندران	ساری
گیلان	رشت
آذربایجان	تبریز
عراق عجم <sup>(۲)</sup>	اصفهان
خوزستان	دزفول
اردلان	کرمانشاه
فارس	شیراز
لارستان	گراش
کرمان و بلوچستان	کرمان
خراسان	مشهد

شهرهای مشهور ایران و عده نفوس آن مطابق تحقیقات حالیه:<sup>(۳)</sup>

دارالخلافة تهران با پانصد و نود هزار نفر؛

اصفهان با دویست و سی هزار نفر؛

کرمان با هفتاد هزار نفر؛

کرمانشاه با شصت هزار نفر؛

شیراز با هفتاد هزار نفر؛

شوشتر با شصت هزار نفر؛

کاشان با بیست هزار نفر؛

---

۱. ترتیب ایالات، متأسفانه بر خلاف روش معمول دانشنامه‌ها به صورت الفبایی و مرتب نیامده است.

۲. مقصود از عراق عجم، ایالت جبال است که مقر حکومت سلجوقیان بود و پس از حمله مغول، اسم جبال برای این ناحیه استعمال نشد. مهم‌ترین مناطق آن کرمانشاهان، اصفهان و همدان بود و در مقابل عراق عرب یعنی به عراق امروزی که در غرب ایران است، اطلاق می‌شد.

۳. همان توضیح پیشین.

بندر بوشهر با شصت هزار نفر؛  
 بروجرده با سی هزار نفر؛  
 همدان با بیست و پنج هزار نفر؛  
 یزد با هفتاد هزار نفر؛  
 قزوین با پنجاه و پنج هزار نفر؛  
 استرآباد با سی و پنج هزار نفر؛  
 مشهد مقدس با یک صد و ده هزار نفر؛  
 قم با شصت هزار نفر؛  
 رشت با هشتاد هزار نفر؛  
 تبریز با دویست و هشتاد هزار نفر.

### نصایح بوذرجمهر حکیم<sup>(۱)</sup>

فرموده است: از استاد پرسیدم، از خدای چه خواسته باشم که همه نیکی‌ها در او باشد؟ فرمود: تندرستی و ایمان.

گفتم که: ایمن بر که باشم؟ گفت: بر دوستی که از حسد دور باشد.

گفتم: به هر وقتی چه چیز سزاوار است؟ گفت: در جوانی فرهنگ آموختن، و در پیری کردار نیکو داشتن، و در سایر ایام به کار خویش مشغول بودن.

گفتم: که [= چه] شخصی است که در نزد همه کس مذموم است؟ گفت: از هنر خود گفتن.

گفتم: بر جوانان چه نیکوتر و از پیران چه لایق‌تر؟ گفت: بر جوانان شرم و دلیری، و از پیران دانش و آراستگی.

گفتم: از که باید حذر کرد؟ گفت از مردم چاپلوس و خسیس توانگر.

گفتم: سخی کیست؟ گفت: آن که زر بخشد و شاد شود.

۱. بوذرجمهر یا بزرگمهر، وزیر خردمند خسرو انوشیروان، شاهنشاه ساسانی بود که داستان‌های بسیار از خردمندی او گفته‌اند. رساله‌ای به زبان پهلوی به نام «پندنامه و زرگمهر بختگاه»، یعنی پندنامه بزرگمهر پسر بختگان، به او منسوب است که دارای ۴۳۰ کلمه است.

گفتم: چه چیز است که بزرگی را تباه کند؟ گفت: از اغنیا، بخیلی؛ و از حکما، تکبر؛ و از زنان، بی شرمی؛ و از مردان، دروغگویی.

گفتم: در دنیا بدبخت کیست؟ گفت: درویش متکبر.

گفتم: چه کنم تا به طیب حاجت نیفتد؟ گفت: کم خوردن و کم خوابی و کم گویی!

گفتم: خردمند کیست؟ گفت: آنکه پر داند و کم گوید.

گفتم: راحتی در چیست؟ گفت: در تنهایی.

گفتم: پشیمانی از چه خیزد؟ گفت: از شتاب زدگی.

گفتم: آبرو از چه ریزد؟ گفت: از طمع.

گفتم: در جهان که خوشبخت تر؟ گفت: آن که خود را به سخاوت بیاراید و زبان را به راستی.

گفتم: دوست نیک کیست؟ گفت: آنکه خطای تو بپوشاند.

گفتم: علامت دوست بد چیست؟ گفت: آن که در بدی تو را یاری کند، و راز تو را آشکارا نماید.

گفتم: بهتر از زندگی و بدتر از مرگ چیست؟ گفت: بهتر از زندگی، نام نیکو؛ و بدتر از مرگ، آنکه چیزی خواهی در وقت و نرسد و از کسی بطلبی و ندهد.

گفتم: چند چیز است که پنهان داشتن آن از مرّوت است؟ گفت: غم درویشی، و صدقه دادن.

گفتم: در دنیا حال که بهتر؟ گفت: او را که علم باشد و مال و همّت و صحّت.

گفتم: چه کنم تا مردم مرا دوست دارند؟ گفت: در معامله ستم مکن، و به زبان مردمان را میازار.

گفتم: اگر علم بیاموزم چه یابم؟ گفت: اگر فقیر باشی، غنی شوی؛ و اگر مجهول باشی، معروف گردی.

گفتم: چه چیز تن را رنجور کند؟ گفت: سخن ناسزا شنیدن.

بهرام می فرماید: بهترین ذخیره ها قناعت است، و بهترین عادت ها جود، و بهترین خوشی ها مودّت است.

نوشیروان می فرماید: روز باد، خواب نیکوست؛ و روز باران، باده؛ و روز ابر،

گرمابه؛ و روز آفتاب، به کارهای لازم پرداختن؛ هر که به نام فریفته شود، به نان درماند؛ و هر که به نان خیانت نماید، به جان درماند.

داراب می‌گوید: هر که در دوستی، تو را ستایش نماید به چیزی که در تو نیست، در دم دشمنی نیز گوید آنچه در تو نباشد. و می‌گوید: هر گاه اندوهی به شما برسد، اندوهی بزرگ‌تر از آن به یاد آرید، تا آنکه رنج شما کم گردد. دو چیز را فراموش نباید کرد: خدا و مرگ را. دو چیز را از یاد باید برد: اول نیکویی نمودن با کسان، و دویم بدی دیدن از ناکسان. اگر تو را چهار چیز باشد، در گیتی برخورداری: اول راستگویی و درست کرداری؛ دویم پایداری در دوستی؛ سیم پاکدامنی؛ چهارم نانی از دسترنج خود فراهم آوری و با دوستان انفاق نمایی.

کیومرث<sup>(۱)</sup> فرماید: شادی بسیار، سرشت را خود پسند کند؛ و کامرانی بی شمار، دل را بمیراند.

هوشنگ<sup>(۲)</sup> می‌فرماید: سختی دنیا در چهار چیز است: بینوایی، در شیخوختی؛<sup>(۳)</sup> بیماری، در غربت؛ قرض، در وقت قلت؛ و بازماندن از رفیق، در وقت رحلت. پادشاه باید سه چیز را عادت کند: درنگ در عقوبات؛ و شتاب در خیرات؛ و صبر در حادثات. سه چیز است که چاره‌پذیر نیست: دشمنی خویشان؛ اشک همسران؛ خواست خسروان.

۱. کیومرث پادشاه اول طبقه پیشدادی که لقب او گلشاد بوده است.

۲. هوشنگ پسر سیامک پسر کیومرث، از پادشاهان دانا، بینا، یزدان ستای و عادل ایران باستان بود و او را پارسیان پیغمبر می‌شمردند و او را پسری بود فارسی نام که ملک فارس منسوب به اوست. تصرفات و اختراعات بسیاری داشته و کلمات حکمت‌آمیز از او نقل شده است. کتاب «جاویدان خرد»، در حکمت عملی، از اوست که برای اندرز پسرش تألیف کرد. وقتی عمر بن خطاب به ایران حمله کرد و کتب ایران همه سوختند، پادشاه ایران این کتاب را در شکم آهوی زرّینی جای داده در زمین مدفون ساخت، تا در زمان مأمون از زمین بیرون آورده، مقداری از آن به عربی ترجمه شد، و بقیه را که ۴۰۰ ورق بود، به هند فرستاده شد، تا ضبط و ترجمه شود.

۳. عهد پیری.

## بعضی از نصایح لقمان<sup>(۱)</sup> حکیم:

سخن به اندازه خویش گوی؛ راز خود را نگاهدار؛ یار را در وقت خشم و غضب بیازمای؛ از مردم نادان و ابله بگریز؛ به زنان اعتماد مکن؛ با دشمن و دوست، ابرو گشاده دار؛ خرج به اندازه دخل کن؛ در کارها میانه رو باش؛ دین از برای آن جهان، و درم از برای این جهان نگاهدار؛ کم گفتن و کم خفتن و کم خوردن را عادت کن؛ هر چه به خود نپسندی، به دیگران مپسند؛ به آموخته استاد، استادی مکن؛ با زنان و کودکان راز مگو؛ از بداصلان، چشم وفا مدار؛ ناکرده، کرده مشمار؛ کار امروز به فردا میفکن؛ با بزرگتر از خود، شوخی مکن؛ عوام را با خود گستاخ مکن؛ حاجت مندان را ناامید مگردان؛ در خانه مردم، کدخدایی مکن، و مردم را در خانه خود، کدخدایی مده؛ میان زن و شوهر، میانجی مکن؛ مال خود، به دوست و دشمن منما؛ در کارها تعجیل مکن؛ بر کار گذشته افسوس مخور؛ تن خود را از برای دنیا رنج مده؛ هر که خود را نشناسد، از او امید بهی مدار؛ تا وقت برآمدن آفتاب مٹسب؛ هزار دوست کم است، و یک دشمن بسیار؛ در بازار بی درم و دینار مرو؛ بی تکبر و فروتن باش؛ حرمت همه کس را نگاه دار، تا تو را حرمت دارند؛ اگر خواهی کسی را گول بزنی، خود را احمق بنما؛ اوست خوشبخت که از وضع و حال خود راضی است؛ هر کس را داخل خانه مگذار؛ تا سر و پا، نه در آب داخل شو و نه در قرض.

## ظرایف و لطایف

شخصی دعوی نبوت کرد، او را پیش مأمون خلیفه بردند. مأمون گفت: این از گرسنگی، دماغ خشک<sup>(۲)</sup> شده است. ناظرش را خواست و امر کرد که این مرد را خوب توجه کن، هر روز طعامهای لذیذ و شربت‌های معطر و لباس‌های خوب بده، تا دماغش به قرار آید. روزی مأمون از آن شخص یادآوری کرد، و او را خواسته، گفت: باز هم جبرئیل

---

۱. لقمان، نام مردی حکیم است که بنا به روایات اسلامی، اصلش حبشی بوده، و در روزگار داود نبی - علیه السلام - می‌زیسته و در قرآن از وی یاد شده است. با اینکه از نظر صورت کربه المنظر بوده، ولی دارای سیرت باطنی بسیار زیبایی بوده است.

۲. دماغ به کسر دال به معنی مغز و در اینجا کنایه از این است که مغزش از کار افتاده و قوه درکش را از دست داده است.

نزد تو می آید؟ گفت: بلی! مأمون پرسید: چه می گوید؟ گفت: می گوید جای خوبی به دست تو افتاده است! هرگز هیچ پیغمبری را این نعمت و آسایش دست نداد!

### لطیفه

حاجی ای گوسفند مردمان را دزدیده، گوشتش را صدقه می کرد. از او پرسیدند که این چه معنی دارد؟ گفت: گناه دزدی با ثواب صدقه برابر است، ولی در میانه، پیه و دنبه توفیر است!

### لطیفه

شخصی انگشتی را در خانه گم کرده بود و در کوچه، جستجو می کرد که خانه تاریک است. دفعه دیگر خرگم کرده بود و گرد شهر می گشت و شکر می گفت. گفتند: شکر چرا می کنی؟ گفت: از بهر آنکه من بر خر ننشسته بودم، وگرنه من نیز امروز، چهار روز بود که گم شده بودم!

### لطیفه

شخصی دعوی نبوت می کرد، پرسیدند که معجزه ات چیست؟ گفت: هر چه در دل شما می گذرد، مرا معلوم است؛ [چنانکه] اکنون در دل شما می گذرد که دروغ می گویم!

### لطیفه

درویشی به در خانه ای رسید و پاره نانی بخواست. دخترکی در خانه بود، گفت: نیست! درویش گفت: چوبی، هیمه ای؟ گفت: نیست! گفت: پاره ای نمک؟ گفت: نیست! گفت: کوزه ای آب؟ گفت: نیست! گفت: مادرت کجاست؟ گفت: به تعزیت خویشاوندان رفته است! گفت: چنین که من حال خانه شما را می بینم، خویشاوندان دیگر می باید که به تعزیت شما بیایند!

### حکایت

یکی از سلاطین بابل از دشتی می گذشت؛ پیری را دید که غرس درخت خرما می نمود. پرسید که: ای پیرمرد! تو که از نخل عمر خود ثمر برگرفتی، و اینک آخر عمر

توست، نخل را برای چه غرس می‌نمایی؟ گفت: دیگران غرس نمودند و ما ثمرش چیدیم، ما هم می‌کاریم تا دیگران برچینند. سلطان را از دهقان خوش آمده، فرمود تا صد تومان به او دادند. پیرمرد بخندید. سلطان سبب خنده را پرسید. دهقان گفت که نخل دیگران بعد از چندین سال ثمر دهد، نخل من در حین کاشتن ثمر داد!

سلطان امر نمود صد تومان دیگر به او دادند. باز پیر بخندید. سلطان گفت: دیگر سبب خندیدن چیست؟ دهقان گفت: نخل دیگران سالی یک دفعه ثمر دهد، نخل من دو دفعه! سلطان روی به همراهان نموده گفت: بشتابید که خزانه دولت نیز کفاف نخل این دهقان را ندارد!

### لطیفه

دهقانی خرگوشی برای ملا نصرالدین تعارف آورد. ملا نصرالدین از او پذیرایی نمود. روز دیگر چند نفر در خانه ملا نصرالدین را زدند. ملا در را باز کرده گفت: شماها کیستید؟! گفتند: ما همسایه‌های خرگوش آورنده هستیم! باز ملا از ایشان پذیرایی نمود. روز دیگر باز چند نفر در زدند. ملا نصرالدین در را باز نموده پرسید: کیستید؟ گفتند: ما همسایه‌های همسایه خرگوش آورنده ملا هستیم! ملا در وقت ناهار ظرفی پر از آب نموده نزد ایشان گذاشت. پرسیدند: این چه غذا [یی] است؟! گفت: این آب گوشت خرگوش است!

### لطیفه

کفش تلخک را از مسجد دزدیدند، و به دهلیز کلیسا انداخته بودند. تلخک می‌گفت: سبحان الله! من خودم مسلمانم، و کفشم ترسا است!

### لطیفه

واعظی بر منبر می‌گفت: هرگاه بنده‌ای مست بمیرد، و مست دفن شود، و مست سر از گور برآورد،...! خراسانی ای [که] در پای منبر بود، گفت: به خدا آن شرابی است که یک شیشه آن صد تومان بیشتر می‌ارزد!

## لطیفه

سلطان محمود در زمستانی سرد، به تلخک گفت که: به این جامهٔ یک لا در این سرما چه می‌کنی، که من با این همه جامه می‌لرزم؟! گفت: ای پادشاه! تو نیز مانند من کن، تا نلرزی! گفت: مگر تو چه کرده‌ای؟! گفت: هر چه جامه داشتم، در بر کرده‌ام!

## لطیفه

یکی از امرای ترک در سرایستان خود رفته، دزدی را دید که آنجا می‌گردد. در پی او دوید و به خادم بانگ می‌زد که چماق کتور!<sup>(۱)</sup> دزد بر سر دیوار جست، امیر پایش بگرفت. دزد شلوار نداشت و انگور ترش بسیار خورده بود، فی الحال... و خود را خراب کرد و ریش امیر تر شد! امیر دزد را رها کرد، و بانگ به خادم می‌زد که ای خادم! چماق و گوی، آفتابه کتور!<sup>(۲)</sup>

## لطیفه

روزی دو نفر دهاتی در ماشینی نشسته بودند. یکی از آنها که تا آن زمان ماشین را ندیده بود، از دیگری پرسید که ماشین چگونه بدون اسب و گاو حرکت می‌کند؟ دیگری گفت: چون دیگ بزرگی دارد، پر از آب کنند و زیر آن را آتش نمایند، ماشین حرکت نماید. اولی پرسید: پس چگونه حمام ده ما، هم دیگ دارد و هم زیر آن را آتش می‌نمایند، راه نمی‌رود؟! دیگری گفت: هر گاه عَرَّاده زیر آن بگذارند، آن هم راه خواهد افتاد!

## لطیفه

یهودی خواست داخل مهمانخانه‌ای شود؛ چند نفر که در مهمانخانه بودند، نمی‌گذاشتند. یکی گفت: اگر یک معمایی بگویی که هیچ یک از ماها نتوانیم آن را حل نماییم، اذن دخول به تو می‌دهیم؛ بلکه هر یک، یک منات اضافه [هم] به تو خواهیم داد. یهودی پرسید که آن کدام ماهی است که دو عدد شده و در دو دیگ پخته می‌شود، ولی باز یک ماهی می‌شود؟! هیچ‌کدام نتوانستند حل نمایند. هر یک، یک منات به او داده، داخل شد. بعد، حل مسئله را از خود او خواستند. گفت: من هم نمی‌دانم؛ پس من هم یک منات می‌دهم!

۱. به زبان آذری، یعنی چماق بیاور.

۲. به زبان آذری، یعنی چماق را واگذار، آفتابه را بیاور.



### لطیفه

خیاطی کاسهٔ عسلی در دکان داشت. خواست بیرون برود، به شاگرد سفارش نمود که در این کاسه زهر است! مبادا که دست به او بزنی که تو را خواهد کشت! و از پی کار خود رفت. شاگرد تمام عسل را خورد. چون استاد خیاط مراجعت نمود، دید که پارچه مفقود و ظرف عسل خالی است. پرسید که پارچه و عسل چه شد؟! شاگرد جواب داد که چون شما رفتید، طرّاری آمده، پارچه [ها] را بدزدید. من از ترس اینکه چون شما بیاید مرا خواهید زد، زهر را خوردم تا هلاک شوم، ولی هنوز زنده‌ام و نمرده‌ام!

### لطیفه

پیرمردی پنج زن داشت. نزد طبیبی رفته، مشورت نمود که پیوسته کمر و گرده‌ام درد می‌کند، چه کنم تا وجع زایل شود؟ طبیب جواب داد که معجون نه طلاق!

### لطیفه

شخص خسیسی اسبی داشت. خواست که چیز نخوردن را تعلیم به اسب نماید، به تدریج از علوفهٔ اسب کاست، تا اینکه اسب از گرسنگی مرد! خسیس از بدبختی خود افسوس خورده، گفت: وقتی اسبم چیز نخوردن را آموخت، مرد!

### لطیفه

حکیمی را پرسیدند که چرا بادیه نشینان به طبیب محتاج نمی‌شوند. گفت: گورخران را به بیطار محتاجی نیست!

### لطیفه

اردبیلی به طبیب گفت: رنجی دارم، تدبیر چه باشد؟ طبیب نبض او را گرفته، گفت: علاج تو این است که قلیهٔ پنج مرغ فربه و گوشت بره با پلو و زعفران، با عسل بخوری، و قی مکنی تا چاق شوی! اردبیلی گفت: حکیم باشی! راستی خیلی عقل داری! این که تو می‌گویی، اگر کس دیگری خورده باشد، من در حال بخورم.<sup>(۱)</sup>

---

۱. در نسخه چنین است: ولی به نظر می‌رسد، «بمیرم»، صحیح‌تر است و شاید سهوالقلم شده باشد.

### لطیفه

شخصی از دوستش پرسید: مرا چشم درد می‌کند، تدبیر چیست؟ گفت: پارسال دندان من درد می‌کرد آن را کردم تو هم...!

### لطیفه

شخصی با معبری گفت: در خواب دیدم که از پشک شتر، بورانی می‌سازم؛ تعبیر آن چیست؟ معبر گفت: صد دینار بده تا تعبیر آن بگویم! گفت: اگر من صد دینار می‌داشتم، بادمجان می‌خریدم و بورانی می‌ساختم و از پشک شتر نمی‌ساختم!

### لطیفه

شخصی دعوی‌ خدایی می‌کرد؛ او را پیش خلیفه بردند. خلیفه او را گفت: پارسال یکی اینجا دعوی پیغمبری می‌کرد، او را کشتند! گفت: خوب کرده‌اند؛ او را من نفرستاده بودم!

### لطیفه

شخصی خری در کاروان گم کرده، [خر] دیگری را بگرفت و بار بر او نهاد. صاحب خر، خر را بگرفت که مال من است. او انکار کرد. گفتند: که خر تو نر بوده یا ماده. گفت: نر! گفتند: این ماده است! گفت: خر من نیز چنین نر نبود!

### لطیفه

شخصی از واعظ پرسید که اسم زن ابلیس چه بوده است! واعظ او را پیش کشیده، گفت: مردیکه احمق! من چه دانم؟! چون باز به مجالس رفت، از او پرسیدند که چه فرمود. گفت: هر که خواهد از واعظ سؤال نماید، تا به او بگوید!

### لطیفه

حاکم آمل از بهر شخصی، براتی نوشت، بر دهی که نام او «پس» بود. آن شخص به طلب آن وجه می‌رفت. در راه باران سختی آمد. مردی و زنی را دید که گهواره و بچه‌ای در دوش گرفته، و به زحمت زیاد می‌رفتند. پرسید که راه «پس» کدام است؟ مرد گفت که اگر من راه پس را می‌دانستم، به این زحمت گرفتار نمی‌شدم!

### لطیفه

شخصی عیسوی از در کلیسایی می‌گذشت. دید خادم کلیسا سگی که داخل کلیسا شده بود را کتک می‌زند و سگ فریاد می‌کرد. آن شخص به خادم گفت: حیوان را ببخش! سگ عقل ندارد، از بی‌عقلی داخل کلیسا می‌شود. ما که عقل داریم، هرگز ما را در کلیسا نمی‌بینی!

### حکایت

یک نویسنده در شهر لندن عادت داشت، صبح سرکار که می‌رفت، روزی یک شاهی به گدا می‌داد. روزی سهواً یک اشرفی به گدا داد. روز بعدش، وقتی که سهو خود را فهمید، از گدا خواهش کرد که اشرفی را پس بدهد. گدا آدرس خانه را به او داده گفت برود خانه او تا در میان پول‌ها حساب نماید و تحقیق کند. وقتی که محاسب زنگ در را زد، یک زنی تمیز و قشنگ پوشیده، در را باز کرده او را راهنمایی کرد به اطاق مهمانخانه باشکوه و قشنگی! بعد گدا با لباس‌های فاخر تمیز داخل شده گفت: درست است! السّاعه دفتردار من حساب نمود؛ صحیح است، یک اشرفی از پول‌ها زیاد آمده است! پول را به محاسب داده گفت: بفرماید! محاسب [که] در تعجب مانده بود از این چیزها، اشرفی را گرفته می‌خواست از در اطاق بیرون بیاید. گدا به او گفت: اما آقا شما فراموش کردید که یک شاهی را بدهید!

### لطیفه

انگلیسی‌ها یک بوئری را در جزیره سیلان اسیر برده بودند. ترانسولی ناخوش می‌شود و او را به مریضخانه کلمبیا می‌برند. طبیبی که او را معالجه می‌نمود، از ساده‌دلی مریض خوشحالی و ریشخند می‌نمود و گفت: می‌دانید که در کره ماه مخلوقات است؟ بوئر به طور یقین می‌گوید: ممکن نیست! مگر نشنیده‌اید که دوستان شما فرانسویان در زمان اکسپورنسیون با دوربین‌های بسیار بزرگ در کره ماه مخلوقات را ندیده‌اند؟ امکان ندارد عزیز من! اگر در کره ماه کسی زنده بود، انگلیسی‌ها مدتی بود که آن را تصرف کرده بودند!

تفاوت پول‌ها و مقیاس‌های خارجه با داخله

فرانک فرانسه = ۳ قران و ۴۳ شاهى

امپريال = ۴۲ قران

ليره انگليس = ۵۵ قران

فلورين = ۴ قران و ۱۰ شاهى

روپيه = ۳ قران و ۱۴ شاهى

منات روس = ۵ قران و ۱۵ شاهى

مجيدى عثمانى = ۴۹ قران و ۱۰ شاهى

والر = هريك ۱۱ قران شاهى

مارك = ۲ قران و ۱۴ شاهى

اشرفى = ۱۹ قران و ۱۰ شاهى

پنج هزارى = ۹ قران و ۱۵ شاهى

متر فرانسه = ۱۱ گره و ۲ خمس

ورست روس = ۱۶۷ زرع

تن فرانسه = ۱۰۰۰ كيلوگرام

گيروانكه = ۸۸ مثقال

كيلومتر = ۹۶۱ زرع و نيم

كيلوگرام = ۱۳ سير و ۹ مثقال و ۴ نخود

هكتاگرام = ۱۰۰ گرام

پوط روس = ۴۰ گيروانكه = پنج من و نيم